

نبی خاتم و دین کامل

تحلیلی در مورد اهمیت ختم نبوت و
تمکیل دین در تاریخ ادیان و ملل

به ضمیمه

خلفای راشدین، آئینه تمام نمای وحدت اندیشه و عمل

علامہ امام سید ابوالحسن علی حسنی مذوی

ترجمہ: عبدالحکیم رضا (سرادان)

ندوی، ابوالحسن علی، ۱۹۱۳ -

Nadvi, Abulhasan Ali

نبی خاتم و دین کامل: تطبیقی در مورد اهمیت
نبوت و تکمیل دین در تاریخ ادیان و ملل به فرمیه
خلفاء راشدین، آئینه تمام نمای وحدت اندیشه و
عمل/ ابوالحسن علی حسنه ندوی؛ ترجمه عبدالقدیر
دهقان (سراوان). — تهران: نشر احسان، ۱۳۷۹

، ۱۱۹

ISBN 964-356-002-3

فهرستنويسي براساس اطلاعات فيپا.

كتابنامه بهصورت زيرنويس.

۱. محمد (ع)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت -
۲. خاتمیت. ۳. خلفای راشدین. الف. دهقان،
عبدالقدیر، ۱۳۴۱ - . ب. عنوان. ج. عنوان: خلفای
راشدین، آئینه تمام نمای وحدت اندیشه و عمل.

۲۹۷/۴۳

کنون/۲/۲۱
۱۳۷۹

۱۷۹۲-۱۷۹۳م

كتابخانه ملي ايران



نشر احسان

ناصرخسرو - کوچه حاج نایب تلفن: ۳۹۰۲۷۵۰

● نام کتاب : نبی خاتم و دین کامل

● مؤلف : سید ابوالحسن علی حسنه ندوی

● مترجم : عبدالقدیر دهقان (سراوان)

● ناشر : نشر احسان

● تیراز : ۰۰۰۱

● ترتیب چاپ : اول ۱۳۷۹

● چاپ : چاپخانه فرید

شابک ۳-۰۰۲-۳۵۶-۰۰۲-۳ ISBN 964-356-002-3 ۹۶۴-۳۵۶-۰۰۲-۳

قیمت: ۳۰۰ تومان

اهداء

پاداش معنوی ترجمه این اثر را به والدین
خویش که از هیچ کوششی در راه تربیت
جسمی و فکری ام دریغ نورزیدند، اهداء
می نمایم.

«مترجم»

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
یادی از مؤلف.....
سخن نخست
اسلام آئین جاودان.....
آئین بودایی، پرچم دار بت پرستی
تحریف آئین مسیحیت.....
یک نکته در مورد زبان شناسی.....
پرونده سیاه یهود
انحراف مسیحیت.....
سدی در برابر اضطراب فکری.....
یک نعمت و امتیاز ویژه
حفظ و پیشرفت دین

- شرایط و صفات محافظان دین
- فتنه قاد یا نیت
- رسالت حوزه‌های علمیه و علمای دین
- علل انتشار قادیانیت
- درخت تنومند و پر بار اسلام
- نسل جوان را دریابید
- خلفای راشدین آینه تمام نمای وحدت
- خلافت راشده چیست؟
- حضرت ابوبکر صدیق رض
- حضرت عمر رض
- حضرت عثمان رض
- حضرت علی رض

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

یادی از مولف

مولودی از نسل پیامبر ﷺ

در روز ششم محرم سال ۱۳۳۳ هجری برابر با ۱۹۱۴ میلادی، در دهکده «تکیه» واقع در هفتاد کیلومتری لکنوء مولودی دیده به جهان گشود که بعدها او را در جهان، بنام علامه امام سید ابوالحسن علی ندوی می‌شناختند ایشان، در یک خانواده مذهبی و دانش دوست و شهید پرور تربیت یافت، خانواده‌ای که مجاهدان و مصلحانی، چون امام سید احمد شهید رهنما در دامان خویش پروده است.

امام سید ابوالحسن رهنما منتبه به خاندان نبوت است و سلسله نسب وی به امام حسن بن علی ابن ابی طالب رهنما می‌رسد. پدرش سید عبدالحسین بن فخر الدین، از دانشمندان

بلند پایه و اطبای حاذق و نویسنده‌گان چیره دست زمان خود بود که به زبان عربی و فارسی تالیفات گوناگونی دارد. که معروف‌ترین آنها کتاب «نزهه الخواطر» است که در هشت جلد به زبان عربی نگاشته شده است.

علامه فقید در سن نه سالگی سایه پدر مهربان خویش را در سال (۱۳۴۱ - ق / ۱۹۲۳ - م) از دست داد و سرپرستی او را برادر بزرگش دکتر سید عبدالعلی حسني به عهده گرفت. مادرش خیرالنساء، نیز از زنان دانشمند و نویسنده‌گان بزرگ بود که از آثار او رساله «الدعاء و القدر» و «حسن معاشرت» را می‌توان نام برد.

دوران کودکی

امام ندوی در خانواده‌ای پرورش یافت که همه افراد آن، اهل علم و مطالعه و اهل قلم بودند و هر کتاب جدیدی که به دستشان می‌رسید، مطالعه آن را بر خود لازم می‌دانستند، بر اثر همین ذوق مطالعه بود که سید در سنین ۱۲-۱۳ سالگی

زبان عربی، انگلیسی و زبان فارسی را به خوبی می‌دانست و هنگامی که در سال (۱۹۲۶، م) کنفرانس ندوة العلماء با شرکت علمای بزرگ برگزار گردید، وی به زبان عربی سخنرانی کرد.

تحصیلات حوزوی و دانشگاهی

تحصیلات ابتدائی را در زادگاه خویش «لکنو» آغاز نمود و پس از اتمام مبادی زبان اردو، به فراگیری فارسی پرداخت، پدرش برای آموزش زبان فارسی و خوشنویسی یک معلم خصوصی و با تجربه برای وی انتخاب کرد، سید دروس عربی (صرف، نحو، بلاغت و ...) را از استاد برجسته‌ای چون شیخ خلیل بن محمد یمنی و علامه تقی الدین هلالی مراکشی، فراگرفت و پس از اتمام دوره ابتدائی و متوسطه در سال ۱۹۲۷م در سن چهارده سالگی در دانشگاه دولتی لکنو در رشته ادبیات به تحصیل پرداخت و در این اثنا زبان انگلیسی را فراگرفت و موفق به دریافت گواهینامه و مдал

طلا از آن دانشگاه شد و از آن پس، به فراگیری علوم اسلامی پرداخت.

ایشان دروس حدیث را در سال ۱۹۲۹ م نزد علامه حیدرحسن خان، استاد حدیث دارالعلوم ندوة العلماء، آغاز کرد و سپس در سال ۱۹۳۰ م برای ادامه تحصیلات عالی خود عازم لاہور شد و زانوی تلمذ را پیش مصلح بزرگ و دانشمند معروف، علامه احمد علی لاہوری رحمۃ اللہ علیہ خم کرد و در سال ۱۹۳۲ م برای کسب فیض از محضر دانشمند بزرگ علامه حسین احمد مدنی به دیوبند رفت و در همان سال بار دیگر جهت ادامه تحصیل به لاہور عزیمت کرد و در معهد قاسم العلوم، به تخصص در رشته تفسیر و حدیث پرداخت و از آنجا گواہینامه عالی علمی دریافت نمود.

تدریس

امام در سال (۱۹۳۴ م) در سن بیست سالگی، در دارالعلوم ندوة العلماء لکنؤ به تدریس پرداخت، و به مدت ده

سال مسند درس را زینت بخشد. و سرانجام در سال (۱۹۳۹، م) از کار تدریس موقتاً کناره‌گیری کرد و به منظور احیای امر به معروف و نهی از منکر، تمام وقت خود را وقف دعوت و تبلیغ در راه دین نمود و در این راه خدمات طاقت‌فرسایی را متحمل شد و به همین منظور در رأس هیاتهای تبلیغی به کشورهای عربی و اسلامی مسافت می‌کرد، و تا واپسین لحظات عمر پربرکتش، در سنگر دعوت و تبلیغ دین با زبان و قلم خویش، بعنوان مجاهدی همیشه در صحنه، جان فشانی و جد و جهد کرد و همواره از ضعف و انحطاط مسلمین به شدت رنج می‌برد.

سید پس از پشت سر گذاشتن این دوره مقطوعی، بار دیگر به تدریس و نشر معارف اسلامی روی آورد و از سال ۱۹۴۳، م تا سال ۱۹۵۱، م در «سازمان تبلیغات اسلامی» لکنؤ به تدریس قرآن و حدیث پرداخت و در سال ۱۹۵۵، از سوی دانشگاه دمشق (الجامعة السوريه) برای همکاری و تدریس فراخوانده شد و به عنوان استاد میهمان، مسئولیت تدریس در این دانشگاه را پذیرفت، همچنین در سال ۱۹۶۲ م از

سوی شاه سعود برای تدریس در دانشگاه اسلامی مدینه منوره، دعوت شد، اما سید، تدریس همیشگی و قبول کرسی رسمی استادی را نپذیرفت، بنابراین در سال ۱۳۸۲ هـ / ۱۹۶۳ م بنابه دعوت دانشگاه اسلامی مدینه، به عنوان استاد میهمان در آنجا مشغول تدریس گردید.

فعالیت مطبوعاتی

از آنجا که مطبوعات، نقش مؤثری در بیداری ملت‌ها دارند، امام ره از فعالیت در این زمینه نیز غافل نماند، ایشان نخستین فعالیت مطبوعاتی خود را در سال (۱۹۲۷، م) در سن (۱۳) سالگی از راه نوشتن مقاله در مجله اردو زبان «زمین‌دار» آغاز کرد و نخستین اثر او به زبان عربی مقاله‌ای بود که در سال (۱۳۴۶ هـ - ۱۹۳۰، م) توسط علامه رشید رضا در مجله «المنار» مصر منتشر شد امام ندوی ره در سال (۱۹۴۰، م) مدیریت مجله «المسلمون» دمشق را پذیرفت و در سال (۱۹۹۵، م) «آکادمی تحقیقات و نشریات

اسلام» را جهت چاپ و نشر کتب اسلامی بنیاد نهاد، و در سال (۱۹۶۲، م) با همکاری مولانا محمد منظور نعمانی (ره) هفته‌نامه «ندای ملت» را پایه‌گذاری کرد و در سال ۱۹۴۴ م به تألیف یک سلسله کتابهای راجع به روش دعوت و تربیت اسلامی اقدام نمود که بیشتر آنها به زبانهای زنده جهان ترجمه شده است.

ایجاد تحول در ادبیات

و تاریخ نویسی

حضرت سید علیہ السلام هنگام تدریس، احساس نمود که محتوای برنامه درسی حوزه‌های علمیه، برای طلاب علوم دینی عصر حاضر کافی نیست، لذا در صدد برآمد تا کتابهایی را تالیف کند که در برنامه درسی به جای کتابهای قدیم مورد استفاده قرار گیرند و به همین منظور در نوزدهم آوریل سال ۱۹۸۱ م به برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی، تحت عنوان

«الندوة العالمية للاقتصاد الإسلامي» اقدام نمود و از ادبیان بزرگ عرب، دعوت بعمل آورد و تعدادی از کتابهای ادبی را که جهت تصویب در برنامه درسی حوزه‌ها تالیف کرده بود به آنان عرضه نمود که از جانب آنها مورد تایید قرار گرفته و از آن پس جزو برنامه‌های درسی حوزه‌های علمیه و دانشگاههای جهان اسلام قرار گرفتند.

همچنین پس از مطالعه و تحقیق در تاریخ اسلام به این نتیجه رسید که، باید در سبک تاریخ نگاری تحولی بوجود آید، زیرا اکثر مؤرخان، به شرح حال پادشاهان و فتوحات فرمانروایان بسته کرده‌اند و از ثبت فعالیت‌های اصلاحی و خدمات اجتماعی، طفره رفته‌اند، بنابراین کتاب «تاریخ دعوت و اصلاح» را در پنج جلد نوشت و زندگینامه بسیاری از مصلحان و مجتهدان نامدار اسلامی و همچنین زندگینامه خویش را که زندگی یک دعوتگر مصلح و مورخ چیره دست است و برای خوانندگان معلومات و تجربه‌های فراوانی دارد، به رشتہ تحریر درآورد.

تألیفات

امام ندوی رَحْمَةُ اللّٰهِ عَلٰيْهِ آثار و تألیفات بسیاری دارند که شمار آنها به بیش از سیصد کتاب می‌رسد و ذکر عنوان تمامی آنها از حوصله این مختصر خارج است، حدود سی کتاب از آثار ماندگار ایشان تاکنون به فارسی ترجمه شده است، که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان کتب زیر را نام برد:

- ۱ - تاریخ دعوت و اصلاح، در پنج جلد که تاکنون فقط جلد اول آن منتشر شده است.
- ۲ - حدود خسارت جهان و انحطاط مسلمین.
- ۳ - نبرد ایدئولوژیک یا ارزیابی تمدن غرب.
- ۴ - آئین زندگی.
- ۵ - تفسیر سیاسی اسلام.
- ۶ - نگرشی نوین بر تزکیه و احسان یا تصوف و عرفان.
- ۷ - مولانا محمد الیاس و نهضت دعوت و تبلیغ.
- ۸ - سیره نبوی.
- ۹ - شگفتی‌های اندیشه اقبال.
- ۱۰ - المرتضی.

فعالیت‌های سیاسی

امام ندوی تأثیر بسیار قابل توجهی بر کار تدریس و تألیف اکتفا نکرد و نسبت به حوادث جهان بی‌اعتنای نبود، او معتقد بود که در زمان حاضر که دایره فعالیت‌های سیاسی بسیار گسترده شده، لازم است که علماء در سیاست سهیم باشند و آنانکه دین را از سیاست جدا می‌دانند، در حقیقت مسلمانان را به خودکشی ملی و اجتماعی فرا می‌خوانند وی به همین منظور، دست به تشکیل سازمانها و جنبش‌های ملی - اسلامی زد. و حرکت‌هایی مانند جنبش «پیام انسانیت» و شورای حمایت از حقوق مسلمین هند و دهها موسسه و سازمان دیگر را پایه‌گذاری کرد.

حقا که ایشان امامی دوراندیش، دعوتگر و مصلحی حکیم بودند که همه دعوتگران و جنبش‌های بیدارگر اسلامی با هر نوع گرایش و طرز تفکری که داشتند، از افکار و اندیشه‌های والای ایشان الهام می‌گرفتند، از جنبش اخوان

المسلمین گرفته تا نهضت دعوت و تبلیغ، که خود یکسی از رهبران زبده آن بود، همگی وی را به عنوان پیشوای قبول داشتند که به خواست الهی رهنماوهای روشنگرانه و مخلصانه وی برای همیشه همچون خورشیدی فروزان فرا راه دعوتگران و مردان اندیشه و جهاد، پرتو افشاری، خواهد کرد.

گمان میر که تو چون گذشتی جهان گذشت
هزار شمع بکشتند و انجمن باقی است

جهانگردی و ارتباط با دنیای اسلام

امام ندوی پیوسته در کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی و تحقیقی کشورهای اسلامی و ممالک غربی شرکت می‌کرد و به منظور رساندن پیام اسلام به جهانیان، به اکثر کشورهای گیتی مسافرت می‌نمود و در بسیاری از نهضت‌های مردمی و جنبش‌ها و ارگان‌های دینی نقش فعال و در شکل‌گیری، تداوم و ادامه حرکت آنان سهم بسزائی داشته است، امام

ندوی علیه السلام بسیار مشتاق آن بود که جهان اسلام رهبری دنیا را به عهده گیرد و از پیروی کورکورانه و تقلید از بیگانگان اجتناب ورزد، بویژه به سرزمین حجاز و جزیره العرب توجه خاصی مبذول می‌داشت و همواره با سران عرب در تماس بوده و به وسیله نامه‌های اندرزگونه و ملاقات‌های متعدد آنها را به پیاده کردن نظام و احکام اسلام در سرزمین‌های خود سفارش می‌کرد. امام به منظور بیداری مسلمین و رساندن پیام اسلام به جهانیان، مسافرت‌های متعددی به کشورهای مختلف دنیا، از جمله اروپا و امریکا داشت، امام ندوی علیه السلام همواره از قبول و احراز پست‌های دولتی اجتناب می‌نمود ولی مسئولیت‌های مذهبی و اجتماعی فراوانی را به عهده داشت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - عضو دائم و معاون شورای هیأت موسسان «رابطة العالم الإسلامي»، مکه معظمه.
- ۲ - عضو شورای عالی دانشگاه اسلامی، مدینه منوره.
- ۳ - عضو کنفرانس اسلامی قدس.
- ۴ - عضو کمیته اجرائی کنفرانس اسلامی بیروت.

- ۵ - مدیر کل مجمع علمی اسلامی «ندوة العلماء» لکنؤ - هند.
- ۶ - سرپرست دانشگاه دارالعلوم ندوة العلماء، لکنؤ.
- ۷ - عضو هیأت موسسان شورای عالی، جهانی دعوت اسلامی، قاهره.
- ۸ - موسس و مسئول مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد - انگلستان.
- ۹ - عضو مجلس انتظامی مرکز پژوهش‌های اسلامی - ژنو.
- ۱۰ - رئیس بنیاد جهانی پژوهش‌های اسلامی، قاهره - مصر.
- ۱۱ - عضو شورای عالی امور دینی وزارت اوقاف، قاهره - مصر.
- ۱۲ - عضو مجمع علمی و آکادمی عربی، دمشق - سوریه.
- ۱۳ - عضو شورای دانشگاه دارالعلوم دیوبند - هند.
- ۱۴ - عضو شورای اجرائی «دارالمصنفین» اعظم کره -

هند.

- ۱۵ - عضو دائرة المعارف عثمانی حیدرآباد - هند.
- ۱۶ - استاد (میهمان یا دعوتی سابق) دانشگاه‌های مدینه منوره و دمشق.
- ۱۷ - مدیر و مؤسس نهضت پیام انسانیت - هند.
- ۱۸ - عضو مجمع فقهی حجاز مقدس.
- ۱۹ - عضو شورای عالی جهانی مساجد.
- ۲۰ - عضو فدراسیون دانشگاه‌های اسلامی حجاز.
- ۲۱ - مؤسس و رئیس بنیاد جهانی ادبیات اسلامی - ریاض.
- ۲۲ - عضو فرهنگستان زبان عرب، دمشق، قاهره و اردن.
- ۲۳ - عضو موسسه علمی و تحقیقی «آل البيت» اردن.
- ۲۴ - رئیس سازمان دفاع از هویت اسلامی مسلمین هند.
- ۲۵ - عضو شورای عالی دانشگاه بین‌المللی اسلام آباد پاکستان.
- ۲۶ - موسس جمعیت تبشير و جذب هندوها و غیر مسلمین به اسلام.

۲۷ - رئیس سازمان آموزش دینی ولایت اتریاپرادیش هند.

تواضع و فروتنی

علامه امام ندوی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ به رغم داشتن کمالات انسانی برجسته و دانش فراوان و منصب‌های مهم در جهان، بسیار متواضع و فروتن بودند و هرگاه در کنفرانس‌های جهانی شرکت می‌کرد، از اقامت در هتل‌های بزرگ که مقر مدعوین بود پرهیز می‌کرد، حق جویی و فروتنی، ایشار و اخلاص، از صفات بارز ایشان بشمار می‌آمد، از اینجاست که علماء و اندیشمندان و نویسندهای بزرگ و شخصیتهای برجسته دنیای اسلام، به خدمات بی‌شائبه و فضایل غیرقابل انکار ایشان، اقرار و اعتراف داشته و دارند،^(۱) چون در این مختصر

۱- نمونه‌هایی از اظهار نظرهای نام آوران جهان را در کتابهای «رسائل الأعلام» و «ابوالحسن الندوی، الامام المفکر الداعية الادیب» مطالعه کنید.

مجال نقل و بازگویی همه صفات و کمالات ایشان وجود ندارد، در یک جمله باید گفت:

«دامان نگه تنگ و گل حسن تو بسیار»

تقدیر از خدمات امام

بارها از سوی مخالف علمی، دینی، سیاسی و اجتماعی، از خدمات ارزنده حضرت علامه ندوی، تقدیر به عمل آمده است.

در سال ۱۹۸۰ م جایزه جهانی موسوم به جایزه ملک فیصل که هر ساله به بزرگترین شخصیت برگزیده اسلامی اعطا می شود و از نظر اهمیت در جهان اسلام، مانند جایزه اروپایی نوبل است جهت تجلیل از خدمات ایشان، به حضرت سید اختصاص داده شد، ایشان مبلغ این جایزه مهم را به مراکز فرهنگی اهداء نمود.

در سال ۱۹۸۱ م از سوی دانشگاه کشمیر، به درجه دکترای افتخاری در رشته ادبیات نایل آمد و همچنین چندین

گواهینامه و دکترای افتخاری دیگر نیز از دانشگاههای معروف جهان دریافت کرده است.

در بیستم رمضان سال ۱۴۱۹ هجری برابر با هفتم ژانویه سال ۱۹۹۹ میلادی کمیته‌ای از علمای بر جسته جهان، برای تعیین بزرگترین شخصیت اسلامی معاصر، تشکیل شد، این کمیته به اتفاق آراء، حضرت امام ندوی را به عنوان بزرگترین شخصیت اسلامی قرن بیستم برگزیده و جایزه بین‌المللی موسوم به «جایزه جهانی قرآن کریم» که مبلغ یک میلیون درهم (معادل دوازده میلیون روپیه هندی) بود به ایشان اعطا شد، حضرت سید همه این مبلغ را نیز، جهت نشر معارف اسلامی، به مدارس دینی و فرهنگی هند اختصاص داد.

بزرگترین امتیاز حضرت امام سید ابوالحسن ندوی قیصر در کنار سایر امتیازها، جنبه ربانیت و بُعد عرفانی و سوز درون و آه سحر و بلند پروازی ایشان بود، حقاً که وجودش منبع فیض و سرچشمہ قوت معنوی امت اسلامی بود، ایشان مصلحی مخلص، مجاهدی نستوه، نویسنده‌ای چیره دست، سخنوری بلیغ، عارفی خداجو بودند که در یک کلام می‌توان

گفت:

در کفی جام شریعت در کفی سندان عشق
هر هو سنای نداند جام و سندان باختن

به سوی دیار جاویدان

سرانجام، سنت الهی در حق امام سید ابوالحسن
ندوی (ره) نیز تحقیق یافت و ایشان پس از عمری تلاش و
مبازه خستگی ناپذیر در راه گسترش معارف اسلامی و
کوشش برای بازگشت مجد و عظمت دیرینه اسلام، به دیدار
یار پرگشود.

وی در ۲۲ رمضان سال ۱۴۲۰ هجری برابر با ۳۱ دسامبر
۱۹۹۹م روز جمعه ساعت ۱۱/۴۵ دقیقه در حال روزه و
اعتکاف در سن ۸۷ سالگی، دعوت حق را لبیک گفت.

ایشان لحظاتی قبل از وفات، غسل نموده و لباس خود را
تعویض و به تلاوت سوره یسوس پرداختند چون به آیه «فبشره
بغفرة و اجر کریم» (او را به بیخش و پاداش نیکو مژده دهید)

رسیدند، پیام آور مؤذه الهی را لبیک گفتند و جان به جان آفرین، تسليم کردند.

آری ایشان با حالتی به دیدار پروردگار خویش رفت که در دنیا به استقبال میهمانان گرامی یا به مسافرت می‌رفت، به گفته ابن یمین:

مصحف بکف و یا بره و دیده به دوست
با پیک اجل خنده زنان بیرون شد

روانش شاد و نهضتش آباد باد.

برای اطلاع بیشتر از زندگانی علامه فقید، به کتابهای مستقلی که در این باره نگاشته شده است مراجعه کنید، از جمله:

- ۱ - ابوالحسن الندوی، کاتبا و مفکرا.
- ۲ - العلامه ابوالحسن الندوی فی مرآة کتاباته و محاضراته.

۳ - رکائز فقه الدعوة عند ابى الحسن الندوى

للقرضاوی».

- ۴ - فی سیرة الحیاة یا کاروان زندگی در هفت جلد.
- ۵ - «ذکریات» از شیخ علی طنطاوی.
- ۶ - اعلام القرن الرابع عشر الهجری «استاد انور جندی».
- ۷ - علماء و مفكرون عرفتهم «استاد محمد مஜذوب».
- ۸ - «میر کاروان» دکتر عبدالله عباس ندوی.
- ۹ - مولانا سید ابوالحسن ندوی مشاهیر امت کی نظر میں» استاد مشاد علی قاسمی.
- ۱۰ - ابوالحسن علی الحسنی الندوی، الامام المفکر الداعیه الادیب «سید عبدالماجد غوری».

عبدالقادر دھقان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سخن نخست

پس از سپاس و ستایش حق و درود بر نبی بر حق؛
این نخستین بار است که بعد از نام دعو تگر و مصلح بزرگ
جهان اسلام، حضرت امام العصر سید ابوالحسن علی حسنی
ندوی، بجای جملاتی همچون: «مدظله و حفظه الله»
جمله هایی مانند: «قدس سره، رحمة الله عليه و ...» بکار
می برم، راستی چه دشوار است داغ مفارقت مردان بزرگ و
خاموشی چراغهای فروزان معنویت، اما چون همه امور از
جانب «الله» فیصله می شود این اندوه طاقت فرسانیز، در
جوار الطاف او آسان خواهد بود.

اینک که از انفاس قدسی این منبع روحی محروم شده ایم،
چاره ای جز این نداریم که فیوضات ایشان را در آثار و
نوشته های وی جستجو کنیم.
www.abulhasanalinadwi.org

چو گل رفت و گلستان شد خراب

بوی گل را از که جوئیم جز گلاب
 آنچه یک اثر علمی یا هنری را ماندگار می‌سازد، تنها
 شیوه‌ایی عبارت، زیبایی کلمات و تعبیر و اهمیت موضوع یا
 طراحی و معماری مدرن نیست، بلکه اخلاص و خداجویی،
 حس خیرخواهی و حسن نیت، در رأس همه این عوامل قرار
 دارد، به عبارت دیگر (برگرفته از یکی از ابیات خواجه
 حافظ) سوز درون، اشک روان، آه سحر، ناله شب است که
 تاثیر می‌بخشد، گرچه عوامل یاد شده نیز بی تاثیر نیستند، اما
 تاثیر آنها مقطوعی است. از اینجاست که یک کتاب بخاطر
 برخورداری از محسن فوق، موقتاً جای پایی در بین
 خوانندگان باز می‌کند. اما به زودی مقبولیت خود را از دست
 می‌دهد و به عنوان یک اثر ماندگار تلقی نمی‌شود.

اینکه می‌بینید آثار بزرگانی همچون امام سید ابوالحسن
 ندوی رهنما، از مقبولیت و معنویت خاصی برخوردار است،
 جاذبهٔ معنوی و بُعد عرفانی، سوز درون و حس خیرخواهی
 و سعه صدر امام است که بیش از هر عامل دیگر، موثر واقع

شده است، گرچه این حقیقتی است انکار ناپذیر که علامه فقید، شخصیتی جامع، محققی نامور، ادبی بلندهای و مبتکر سبک ادبی نوینی در ادبیات اسلامی، به ویژه ادبیات عرب بود و مسؤولیت «بنیاد جهانی ادبیات اسلامی» را به عهده داشت. اما بدون شک به وسیله ربانیت و نیروی معنوی توانست جهانی را دگرگون کند.

خدا را سپاس می‌گوئیم که در پرتو توفیق و الطاف او توانستیم اثری دیگر از آثار گرانبهای مجدد و بزرگمرد قرن پانزدهم هجری و برجسته‌ترین شخصیت قرن بیستم میلادی را به خوانندگان تقدیم نماییم.

رساله حاضر، شامل دو گفتار است که در مقاطع مختلف ایراد شده و نظر به اهمیت موضوع، به صورت رساله جداگانه منتشر شده است.

گفتار نخست تحلیلی است پیرامون «اهمیت ختم نبوت و تکمیل دین در تاریخ ادیان و ملل» که در تاریخ ۲۴ صفر ۱۴۰۷ هجری برابر با ۲۹ اکتبر ۱۹۸۶ م در یک کنفرانس علمی و تحقیقی، در دانشگاه دارالعلوم دیوبند ایراد شده است.

لازم به ذکر است که حضرت امام العصر (ره) این نطق را به صورت ارتجلی و با اتكاء بر حافظه و مطالعات عمیق و گسترده خویش در این موضوع، ایراد کرده است.^(۱) و پس از استخراج از نوار، به نظر ایشان رسیده و مدارک و شواهدی که در سخنرانی بطور فشرده بیان شده از اصل منابع، اقتباس و ارایه شده است.

می توان گفت که این گفتار، خلاصه و چکیده مطالعات ایشان در موضوع تاریخ ادیان و ملل است که بسیار فشرده ارائه شده^(۲) و گویا دریا را در کوزه جمع کرده است، خوانندگان محترم پس از مطالعه این رساله کم حجم، درمی یابند که چه حقایق مهم و جواهر گرانبهایی در این

۱ - انتخاب تیترها و عنوانین جانبی از مترجم است.

۲ - امام ندوی (ره) در این زمینه کتاب مستقلی بنام «النبی الخاتم» و کتاب دیگری بنام «القادیانی و القادیانیه» دارند که کتاب اخیر تحت عنوان «مذهب قادیانی» توسط ابوالقاسم امین به فارسی ترجمه و منتشر شده و از مهم‌ترین منابع موضوع بشمار می‌آید. اخیراً دوست عزیز جناب آقای مولوی یار محمد امراء نیز به ترجمه مجدد آن همت گماشته است.

صدف کوچک و سخن کوتاه و جامع عرضه شده است. گفتار دوم مقاله‌ای است جداگانه که تحت عنوان «خلیفه راشد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب» نگاشته شده و به جهت مناسبت با موضوع قبل، آنرا نیز با این رساله ضمیمه کرده‌ایم، در این گفتار ثابت می‌کند که خلفای چهارگانه نبوی، دارای بینش و خطمشی واحدی بودند و روح خلافت نبوی و محورهای اصلی آن، در هر چهار نفر به صورت مساوی وجود داشته است.

بیش از این مناسب نمی‌دانم که بین شما و گفتار روح بخش حضرت علامه فقید، حاصل شوم، در خاتمه از کلیه دوستان که در مراحل مختلف ارائه این اثر، نقش داشته‌اند تشکر می‌کنم و از همه استفاده کنندگان، التماس دارم که مولف و مترجم را در دعاهای خیر خود فراموش نفرمایند.

نیازمند رحمت خدای متن

عبدالقادر دهقان

سراوان - بخشان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على رسوله سيد المرسلين و خاتم النبيين، محمد و الله و اصحابه اجمعين و من تبعهم بحسان و دعا بدعوتهم الى يوم الدين.

اما بعد! فاعوذ بالله من الشيطان الرجيم. اليوم اكملت لكم دينكم و اقمت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً.^(۱) (امروز دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را بعنوان آثین (جاودان) شما برگزیدم).
رئيس محترم! حضار گرامی و برادران عزیزاً تا جائیکه من اطلاع دارم این اولین کنگره‌ای است که در یک مرکز فرهنگی جهانی و تاریخی و سرچشمۀ اندیشه و عمل، مانند «دارالعلوم دیوبند» در موضوع ختم نبوت و بررسی حقیقت

و خطرهای فرقه «قادیانی»^(۱) برگزار می‌شود و این آئین نوساخته از جنبه‌های علمی، دینی و کلامی کاملاً تحلیل و بررسی می‌شود.

بنده بسیار متأسفم که نمی‌توانم از این اجتماع باشکوه، بطور کامل بهره‌مند شوم، چون بنابر عوارض و مشکلات پیش آمده ناگزیرم با کسب اجازه از میزان جلسه و همکاران گرامی و شرکت کنندگان محترم، مرخص شوم^(۲) مطلبی که هم‌اکنون بعرض می‌رسد چکیده‌ای است از مطالعات قرآنی و تاریخ ادیان و ملل و بررسی تطبیقی مذاهب که آن را به عنوان یک طالب‌العلم حقیر تقدیم می‌کنم. روی سخنم بیشتر به طبقه اهل علم و آن دسته از

۱ - فرقه‌ای ضاله و خارج از اسلام است که از سوی استعمار انگلیس، طرح ریزی شده و در شبه قاره هند و پاکستان رواج دارد، پیروان این فرقه باطل، فردی به نام غلام احمد قادیانی را که دست پروردگار انگلیس بود، پیغمبر خدا می‌دانند و از او پیروی می‌کنند. (متترجم)

۲ - کنفرانس در سه روز برگزار شده و حضرت امام، به علت کثرت مشاغل و مسئولیتهای فرهنگی فقط در جلسه افتتاحیه شرکت کرده است.

طلاب گرامی است که در حال آمادگی برای خدمت دین هستند.

شوندگان محترم! از مطالعه قرآن، در می یابیم که دو اصل، در رابطه با دین، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردارند و از ضروریات اساسی ادیان و مذاهب بشمار می‌روند:

- ۱ - اشاعه و نشر دین
- ۲ - پاسداری و حفظ دین.

اسلام آئین جاودان

در رابطه با دین اسلام، در قرآن مجید، نسبت به تحقق هر دو اصل یاد شده، اشارات واضح و صریحی وجود دارد، برای نمونه خداوند در مورد ترویج دین صریحاً می‌فرمایند: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُلَّهُ وَ لَوْكَرَهُ الْمُشْرِكُونَ﴾ (۱).

«او (الله) کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را برابر همه ادیان غالب گرداند، گرچه برای مشرکان خوشایند نباشد».

و در جایی دیگر فرموده است که: **وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**.^(۱) (هر چند کافران، دوست نداشته باشند).

از این گفته خداوند که «لیظهره علی الدین کلمه» بوضوح پیدا است که این دین بر تمام ادیان جهان، از هر نظر، غالب و پیروز خواهد شد، نه تنها از نظر قدرت سیاسی و انتظامی، بلکه از نظر حجت و دلیل و تسخیر اندیشه و عقل نیز برتری خواهد یافت.

در جایی، دیگر خداوند، به رسول الله ﷺ مژده داده و چنین فرموده است:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرٌ اللَّهُ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْواجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ

(۱) تَوَابَاً

(وقتی که نصرت خدا و پیروزی فرار سد می بینی که مردم گروه گروه در دین خدا داخل می شوند، پس به پاکی و ستایش یاد کن پروردگارت را و از او آمرزش بخواه، همانا او بسیار توبه پذیر است).

چشم انداز زیبا و با شکوه «يدخلون في دين الله افواجا» در زمان زندگی گهر بار خود پیامبر اکرم ﷺ و از آن پس نیز بارها در تاریخ اسلام تکرار شده است.

هم چنین در سوره نور فرموده است : «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّلَحَاتِ لَيَسْتَخْلِفُوهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَمْ يُكِنْ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيَدْلِلُهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا» (۲).

(خداؤند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و عمل شایسته انجام داده اند، وعده داده است که آنها را حتماً خلیفه

۱ - سوره نصر

۲ - سوره نور - ۵۵

روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشیده بود، (همچنین وعده فرموده است که) دین و آئینی را که برای آنها پسندیده، پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد).

نشر و گسترش دین نیز یکی از نتایج «تمکین فی الارض» (قدرت و سلطه) است از اینجا است که می فرمایند: «الذین إِنْ مَكْثُومُونَ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَا عَنِ الْمُنْكَرِ» (۱۱).

(خداؤند کسانی را یاری می کنند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بربپا می دارند و زکات را ادا می کنند و مردم را به کارهای پسندیده و ادار می کنند و از کارهای زشت باز می دارند).

این الفاظ، خیلی جامع و پر محتوا و دارای مفاهیم وسیعی هستند که انسان را به تفکر وا می دارد و تاریخ نیز یکایک این

حقایق را تصدیق می‌کند.

اما حفظ و صیانت دین که رکن دوم و بسیار مهم است نیز در قرآن مجید تضمین شده و نسبت به آن یک اعلامیه مهم و شگفت‌آور، صادر شده و تاریخ را گواه قرار داده است، این اعلامیه عبارتست از این فرمان خدایی که می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾.^(۱)

«همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و خود ما محافظ و نگهدار آن هستیم (تمورد تحریف و دستبرد قرار نگیرد)». با صراحة تمام، اعلام شده که خداوند حفظ و نگهداری قرآن مجید را از نظر شریعت و احکام، زبان و ادبیات، فهم و تفسیر بر عهده گرفته است، بلکه فراتر از آن، وجود افرادی را که با زبان قرآن، سخن بگویند نیز تضمین نموده است، زیرا بقای هر زبان مرهون وجود کسانی است که با آن زبان تکلم کنند و نسبت به آن احساس غیرت نمایند و این مطلب، بقای آداب و قواعد و حرکت تالیفی آن را نیز شامل می‌شود.

سروران: من تاریخ را تفسیر قرآن کریم نمی‌دانم، چون این گفته یک نوع جسارت و بی‌باکی است، اما معتقدم که تاریخ، گواه و تأیید کنندهٔ قرآن مجید است بنابه گواهی تاریخ، بدون شک ادیان متعدد دنیا نیز، در میدان «انتشار دین» پیشرفت‌هایی داشته‌اند، بعضی از آن ادیان در عصر خود، نیمی از جهان را تحت سلطهٔ خویش قرار داده‌اند و بعضی دیگر یک چهارم جهان را زیر پرچم خود درآورده‌اند و حتی برخی از آنها در سراسر جهان گسترش یافته‌اند.

از مطالعهٔ تاریخ، به این نتیجه می‌رسیم که از جمله دین‌هایی که در حد جهانی بر وسیع‌ترین بخش دنیا و بر نظام زندگی و فکری انسانها تأثیر عمیق گذاشته‌اند دو مذهب شایان ذکر است: اول مذهب بودائی که تقریباً آسیای میانه را تحت سلطهٔ خود قرار داده بود و نفوذ آن نه تنها در افغانستان و ترکستان (شامل سمرقند و بخارا) بلکه تا کرانهٔ شام، گسترش یافت. کشفیات و حفاریهای باستان‌شناسی در

«تاكسيلا»^(۱) (TAXILA) نشان می دهد که آثار اين مذهب از پاتلي پتر (در هند شرقی) تا پنجاب (هند غربی) و کشورهای ساحلی دریای مدیترانه (MED ITERRANEAN SEA) انتشار یافته و حتی بر اخلاق و تمدن اين کشورها نيز، تأثير گذاشته بود، اين مذهب، قسمت بزرگی از جهان را به سرعت تحت تأثير خود قرار داد و تا چين و ژاپن گسترش یافت و هم اکنون نيز در چين رواج دارد و اخيراً در سیستم فکري دانشمندان مذاهب ديگر و علماء علم توحيد و کلام و فلسفه سرايit است.

دوم مذهب مسيحی است که از مرز فلسطین (خاستگاه اصلي آن) گذشته و تا قلب اروپا پيش رفت و سرانجام، از سوی امپراطوری روم که پايتخت سیاسي و مذهبی آن «قسطنطينيه» بود، مذهب رسمي شناخته شد و فرصت طلبان و تشنگان جاه و مقام که در واقع مشرک و بت پرست بودند به

۱ - شهر باستانی است که در اطراف شهر راولپنڈی و اسلام آباد در پاکستان قرار دارد.

مسلک مسیحیت درآمدند و تاثیر آنان موجب شد که مسیحیت، به ترکیبی از عقاید شرکی و شعائر مسیحی تغییر هویت دهد^(۱) این مذهب بعدها، تمام قاره اروپا و امریکا را به آغوش خود جذب کرد و در سرزمین شام (سوریه، فلسطین، لبنان و اردن فعلی) انتشار یافت.

اما تاریخ، با شکلی عجیب و شگفت‌آور، این واقعیت را نیز بیان می‌دارد که به همان نسبت که دامنه رواج و نشر این دو مذهب جهانی، گسترش یافت و پیروزی بزرگی در این میدان کسب کردند به همان نسبت در میدان حفظ و مصونیت دین ناکام ماندند و نتوانستند روح اصلی خود را حفظ کنند و به سرعت دستخوش تحولات و طعمه توطئه‌های داخلی و خارجی شدند.^(۲)

۱ - برای اطلاع بیشتر، به کتاب (الصراع بین الدين و العلم) اثر دراپر امریکایی مراجعه کنید.

۲ - آئین زرتشت نیز از این حقیقت مستثنی نیست، اخیراً کتابی تحت عنوان «نگرشی بر اسلام و زرتشت» به قلم یکی از نویسنده‌گان گبر از سوی انتشارات علوی، منتشر شده که نویسنده این کتاب با روشه مرموزانه و

آیین بودایی، پرچم دار بت پرستی

تاریخ مذهب بودائی آشکارا نشان می‌دهد که این آیین، در ابتدای ظهور، برای اصلاح جامعه و پایان دادن، به تبعیض و نژادپرستی وارد میدان شده بود و علیه بحران بت پرستی و (کیفیت سرسام آور آن) قیام کرده بود ولی سرانجام خودش رهبر و پرچم دار نژاد پرستی و بت‌سازی و پیکره تراشی قرار گرفت خود آقای پندت^(۱) جواهر لعل نهرو (DISCOVERY OF INDIA) به این حقیقت اعتراف کرده و در کتاب معروف خود (OF INDIA DISCOVERY) (کشف هند) به استناد مورخان بلند پایه هندو مذهب با صراحة

تردستی تمام کوشیده است تا زرتشتی را دین آسمانی و همطراز با دین اسلام بلکه در بسیاری از موارد برتر از آن تلقی نماید و زرتشت را از رسول گرامی اسلام، حضرت محمد ﷺ برتر قرار دهد، کسانی که این کتاب توهین آمیز را مطالعه کرده‌اند صدق گفتار ما را در می‌یابند. (متوجه)

۱ - از القاب دانشمندان هندو مذهب.

می‌نویسد: «مذهب بودائی عاقبت به همان بلایی گرفتار شد که خود برای از بین بردن آن قیام کرده بود.»^(۱)

یکی از محققان هندو مذهب بنام سی.وی.ویدیا (C.V.VAIDYA) در کتاب «تاریخ قرون وسطای هند» (HISTORY OF MEDIA EVALHINDYA INDIA) درباره دوره پادشاه بودائی راجه هرش (۶۰۶-۶۴۸) می‌نویسد:

«در آن زمان، مذهب بودائیسم و هندوئیسم، هر دو در بت پرستی یکسان بودند بلکه بودائیسم در بت پرستی، از مذهب هندوئیسم پا را فراتر گذاشته بود، این مذهب در واقع، بر انکار وجود خدا پایه گذاری شده بود ولی سرانجام شخص «بودا» را به مقام خدایی رسانیده و بزرگترین خدا قرار دادند، سپس تعداد خدایان افزایش یافت و افراد دیگری مانند (BODKISTAVAS) در شمار خدایان قرار گرفتند و بت پرستی، بویژه در مذهب «مهايانا»^(۲) به طور رسمی وارد

1- DISCOVER YOEINDIA.

شد و دامنه آن در هند، تا حدی گسترش یافت که در بعضی از زبانهای شرقی، نام «بُدھ»^(۱) (بودا) مرادف «بت» شناخته شد.^(۲)

بنده شهر باستانی کشف شده در حفاریهای تاکسیلا (TAXILA) را با چشم خود مشاهده نموده‌ام، در میان آثار کشف شده، هزاران مجسمه از «گوتم بودا»^(۳) در اندازه‌های مختلف و اشکال زشت و زیبا، وجود دارد که انسان با دیدن آنها دچار شگفتی و نفرت می‌شود.

آری مذهبی که علیه بت پرستی قیام نموده بود، به سرعت در دام بت پرستی یا به تعبیر دقیق‌تر «بوداپرستی» گرفتار گردید، چنانکه قبلًا اشاره شد کلمه بت بیش از کلمه «بُدھ» (بودا) در بعضی از کشورها رواج یافت این موضوع جالب

۱ - در زبان هندی «بودا» را «بُدھ» می‌نامند که بر وزن بت است. برخی معتقدند که کلمه «بت» به تقلید از «بُدھ» رواج یافته است، جهت تحقیق بیشتر به کتاب «سیره نبوی» اثر همین مولف مراجعه نمائید.

2- History of Mediaeval Hindu India: C.V. Vaidya vol. 1. p. 101.

۳ - موسن آئین بودایی در حدود سالهای (۵۶۶ - ۸۶ ق - م).

توجه است که مذهبی که براساس مخالفت با بت پرستی پا به عرصه حیات گذاشت چگونه خود، شعار بت پرستی قرار گرفت؟ و فکر مردم جهان را چنان به خود مشغول داشت که این کلمه در همه زبانها مانند سکهٔ رایج، رواج یافت و بدین ترتیب شخصیت پرستی و مقدس مآبی و متمرکز کردن قوای فکری بشر، به یک فرد، از مذهب بودا نشأت گرفت.

تحریف آئین مسیح

مذهب مسیحیت نیز، سرنوشتی مشابه مذهب بودا دارد، مورخان مسیحی، خود اعتراف دارند که مذهب مسیحیت با چنان سرعتی به سوی انحراف پیش رفت که مشکل است نظریش را در تاریخ ادیان و مذاهب دیگر یافت، در همان سده اول، طی توطئه‌ای به رهبری سینت پول^(۱) (SAINT PAUL) (۱۰ م - ۶۶ م) مورد دستبرد قرار گرفت و مسیحیت

۱ - پولس مقدس.

روح اصلی خود را از دست داد و آئینی جدید با ایدئولوژی و نظام زندگی نوینی روی کار آمد که هیچ گونه مشابهتی با افکار و آراء داعی راستین و نخستین (حضرت مسیح علیہ السلام) ندارد و کاملاً ساخته و پرداخته افکار آقای پولس راهب یا سینت پول (SAINT PAUL) است. که به حضرت مسیح، نسبت داده شده است. با مطالعه کتابهایی که اخیراً در این رابطه نوشته شده است می‌توان دریافت که این مذهب با چه سرعت سراسام‌آوری به تحریف پیش رفته است.

یکی از محققان مسیحی، درباره این حقیقت که چگونه در اوخر قرن چهاردهم، عقیده «تلیث»^(۱) به این مذهب راه یافت، می‌نویسد:

«این باور که خدای یگانه از اقامیم سه گانه (خدا، عیسی روح القدس) مرکب است در اوخر قرن چهارم در افکار و زندگی و روح و روان دنیای مسیحیت، چیره گشت و تا عرصه درازی بعنوان یک عقیده رسمی در سر تا سر جهان

۱ - اعتقاد به سه خدا که عبارتند از خدا، عیسی و روح القدس، (متترجم).

مسیحیت رواج داشت. تا اینکه در نیمة دوم قرن نوزدهم میلادی راز تغییر و دستبرد در این عقیده و سیر تحول آن فاش شد.^(۱)

یکی از دانشمندان معاصر مسیحی بنام (ERNEST DE BUNSEN) با جرأت و صراحة بیشتر به بیان این تحول و انقلاب پرداخته و می‌نویسد:

«آئین و نظامی که در انجیل کنونی موجود است، نظامی است که حضرت مسیح هرگز به قول و عمل خویش به آن دعوت ننموده است. و نمی‌توان مسئولیت نزاعی را که هم اکنون میان مسیحیان، یهودیان و مسلمین وجود دارد بر عهده حضرت مسیح گذاشت، بلکه همه اینها ساخته و پرداخته همان یهودی - مسیحی لامذهب (پولس) هستند و همچنین نتیجه تشریع تجسمی و تمثیلی صحیفه‌های مقدس و آراستن آنها به پیشگوئی‌ها و مثالها است. پال به پیروی از

۱ - اقتباس از دائرة المعارف کاتولیکی جدید.

(NEW CATHOLICENCY CLOP AEDIA. Vol. 14. 1967)

مقاله تثلیث مقدس ج ۱۴ ص ۲۹۵ - با اختصار.

استفن (STEFHEN) که مبلغ مذهب «ایسانی» (ESSENE) بود، بسیاری از رسوم مذهب بودائی را وارد مذهب مسیحی کرد و به حضرت مسیح نسبت داد، افسانه‌ها و داستانهای متضادی که در انجیل امروزی وجود دارد و براساس آنها، حضرت مسیح را بسیار پایین‌تر از مقام واقعیش معرفی می‌کنند، همه و همه ساخته پولس مقدس، (PAUL) هستند نه تعالیم حضرت مسیح، آقای پولس و اسقفها و راهبان بعد از او، همه این عقاید و نظام را ترتیب داده‌اند و دنیای مسیحیت ارتدکس به مدت ۱۸ قرن است که این عقاید خرافی را اصول عقاید خود قرار داده است.^(۱)

کسانی که در رشته تاریخ ادیان و مذاهب، صاحب نظر هستند، به خوبی می‌دانند که خداوند چه حقیقت مهم تاریخی را از زبان، پیامبر «امی»^(۲) (به مدرسه نرفته) که در

1- SLAMOR TURE CHRISTIANITY P. 128.

۲ - پیامبر گرامی اسلام، مستقیماً تحت نظارت و مراقبت الهی تربیت یافته است و دروس متداول و کلاسیک را در هیچ مدرسه‌ای فرانگرفته است، از این روی ایشان را «امی» می‌نامند (مترجم).

صحرابه دنیا آمده و در آنجا رشد کرده، بیان داشته است و آن اینکه پیروان مسیحیت را به عنوان و لقب «ضالین» یاد کرده است، این نکته یک حقیقت تاریخی است که تاریخ در برابر آن، مؤدبانه سر تسلیم فرود آورده است و همه گنجینه‌های تاریخی سرافکنده شده آن را تایید خواهند کرد و مورخان، دچار شگفتی خواهند شد. اینجاست که اعجاز قرآن و حقانیت بعثت نبی به وضوح آشکار می‌گردد.

یک نکته در مورد زبان‌شناسی

در اینجا به همین مناسبت توجه شما را به یک نکته در مورد زبان و ادب، جلب می‌کنم بسیاری از کلمات دخیل که از یک زبان به زبان دیگر وارد شده‌اند در قدرت و ادای مفهوم، با زبان اصلی فرق دارند، زیرا کلمات نیز، سیر تاریخی دارند، همان گونه که نسل‌های بشر و تمدن و اندیشه‌های انسانی سیر تاریخی دارند، برخی کلمات در طول این سفر تاریخی، بسیاری از ویژگیهای خود را از دست

می‌دهند و از عوامل خارجی و محلی تأثیر می‌پذیرند. در زبان اردو و فارسی نیز بسیاری از کلمات عربی وجود دارد که فهمیدن و بکار بردن معنی و مفهوم صحیح آنها برای انسان مشکل است و قدرتی را که در اصل زبان داشتند از دست داده‌اند، از جمله این کلمات، لفظ «ضلالت» است که برای هر نوع فساد عقیده و فساد عمل و انحراف‌های جزئی و لغزش‌های کوچک و بزرگ به کار می‌رود، اما معنای واقعی این کلمه بسیار عمیق‌تر و فراتر از یک گمراهی محدود و جزئی است. تحقیقات در مورد زبان‌شناسی نشان می‌دهد همانگونه که اجسام و موجودات خارجی دارای درجه حرارت (TEMPERATURE) هستند، الفاظ و کلمات نیز دارای یک نوع درجه حرارت خاصی هستند و همانطور که اجسام دارای سایز و اندازه‌های مختلفی هستند، کلمات نیز قطع‌ها و اندازه‌های متفاوتی دارند، شگفت این جا است که خداوند حقیقت بزرگی را به زبان شخصیت برگزیده خویش که تاریخ مسیحیت را مطالعه نکرده بود و در مورد آن هیچ گونه وسیله اطلاع رسانی در دست نداشته است و مسافرتش به یک

کشور مسیحی فقط چند روز و ملاقاتش با یک فرد مسیحی، فقط برای چند دقیقه ثابت است، آشکار ساخته است و آن اینکه کلمه «المغضوب عليهم» را در حق یهود و واژه «الضالین» را در حق مسیحی‌ها بکار بردε است.^(۱)

تنها همین یک جمله، برای اثبات اینکه قرآن کلام الهی است کافی می‌باشد، ممکن بود در حق مسیحیان به جای این واژه، ده کلمه دیگر به کار بردε شود بلکه در زبان غنی عربی امکان داشت بیش از پنجاه لفظ استعمال شود که همه در حق آنها صادق و با احوال آنان منطبق باشند، اما خداوند، یک فرق واضح و آشکار بین مسیحیان و یهود را در نظر داشته و برای یهود کلمه «المغضوب عليهم» بکار بردε است هر کس

۱ - علامه ابن کثیر در تفسیر معروف خود روایتی به نقل از حضرت عدى بن حاتم آورده است که ایشان گفتند: من از رسول اکرم ﷺ پرسیدم که مصدقاق «المغضوب عليهم» چه کسانی هستند؟ فرمود: یهود، سپس پرسیدم «ضالین» چه کسانی هستند؟ فرمود: این گمراهان نصاری هستند، عیناً روایتی به همین مفهوم از حضرت ابوذر نیز نقل شده است، ابن ابی حاتم می‌گوید: همه مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از «المغضوب عليهم» یهود و مقصود از «الضالین» نصاری (مسیحیان) هستند. (تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص ۵۳ و ۵۴).

تاریخ یهود را مطالعه کرده می‌داند که سراسر تاریخ یهود بیانگر این واقعیت است که آنها همواره «مغضوب علیهم» (مستحق و مورد خشم الهی) بوده و هستند.^(۱)

با توجه به نقش ویرانگر یهود و آثار منفی و ناگواری که این جرثومه‌های فساد بر اخلاق و رفتار جوامع بشری گذاشته‌اند و با آگاهی از نقشه‌های فاسد و توطئه‌های نافرجامی که یهود در طول تاریخ بکار برد و با اطلاع از نافرمانی و سرکشیهای این قوم ذلیل در برابر احکام خدا که موجب محرومی آنان از برکات و نصرت خداوندی گردیده است، به حق یقین می‌کنیم که عنوانی مناسب‌تر از واژه «المغضوب علیهم» در حق آنان وجود ندارد.

- ما در عصر خود شاهد ذلت و خواری یهود بوده و هستیم به ویژه در زمان حاضر که یهود از اطراف جهان، اخراج و تحت برنامه‌های خاصی به سوی اسرائیل رانده می‌شوند تا در آنجا اسکان داده شوند ولی اهالی آنجا نیز وجود نحس آنها را تحمل نمی‌کنند و به بهانه‌های مختلف، مانند ترس از فقر و بیکاری، اعتراض خود را علیه این طرح، ابراز می‌دارند. (متترجم)

پرونده سیاه یهود

هر کس کتاب «پروتکلهای دانشوران صهیون» ترجمه کتاب «البروتوکولات»^(۱) را مطالعه کند یا حداقل به کتاب «یهود جهانی» نوشته هنرمند و میلیونر معروف آمریکایی، سر هنری فورد (HENRY FORD) که عبارات و اقتباسات زیادی از کتاب فوق الذکر را آورده است نگاهی بیندازد و از برنامه‌های هولناک جهانی سازمان مخفی یهود نسبت به فاسد ساختن جوامع بشری و نابودی ارزش‌های اخلاقی و معنوی و ترویج فساد بین جوانان، آگاهی یابد، بدون شک بدنش به لرزه درمی‌آید و یقین می‌کند که براستی یهود، دشمن انسانیت و مستحق غضب الهی است. در اینجا با نهایت اختصار و اجمال، به چند نمونه از عناوین نقشه‌های

۱ - این کتاب ترجمه‌های متعددی به زبان فارسی دارد، اخیراً از سوی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی تحت عنوان «پروتکلهای دانشوران صهیون» ترجمه و منتشر شده است (متترجم).

پلید یهود اشاره می‌کنیم:

- ۱ - مبارزه با رهبران مذهبی و افراد متدين هر مذهب و از بین بردن نفوذ و اعتبار پیشوایان دینی و انداختن آنان از چشم مردم تا بدین وسیله، به رسالت آنان لطمه وارد شود.^(۱)
- ۲ - نشر فرهنگ و ادبیات ضد اخلاقی که با عقل و منطق هیچگونه رابطه‌ای نداشته باشد.^(۲)
- ۳ - ایجاد اختلاف و راه‌اندازی جنگهای خانمانسوز جهانی.^(۳)
- ۴ - سران حکومتها و نمایندگان آنان، مانند مهره‌های شطرنج بی‌اراده و بی‌اختیار باشند (تا از این طریق، آنان بتوانند، اهداف سیاسی یهودی‌ها را تحقق بخشنند).^(۴)
- ۵ - فساد فکری جوانان، از طریق تعلیم و تربیت،

۱ - ملاحظه شود: «الیهودی العالمی» ترجمه عربی کتاب مذکور که به انگلیسی نوشته شده است ص ۹۴.

۲ - همان منبع ص ۹۵.

۳ - همان ص ۱۰۷.

۴ - همان کتاب ص ۱۲۹.

مطبوعات، رمان‌ها و فیلم‌های مبتذل سینمایی و ترویج عیاشی و تجمل پرستی و فساد اخلاقی.^(۱)

در اینجا اقتباسی از پروتکل اول کتاب «البروتوكولات» می‌آوریم تا مطالعه کنندگان، به عمق نقشه‌های شوم و توطئه‌های پنهانی یهود و حدود پیروزی آنان در این میدان، که خود اعتراف کرده‌اند، آگاهی یابند. این دانشوران می‌نویسنده:

«اساس این آریستوکراسی ما بر دو اصل است: اول پول و این چیزی است که بر عهده ماست. دوم علم که از طرف دانشوران ما تامین می‌شود.

نکته دیگری که راه رسیدن به پیروزی را برای ما آسان می‌کند این است که ما، در روابط و رفتارهای خود با مردم، همواره روی نقاط حساس آنها انگشت می‌گذاریم و رگهای حیاتی آنان را بدست می‌گیریم و از نغمه‌ها و شعارهایی استفاده می‌کنیم که افکار عمومی و عقل توده را بیش از هر

چیز دیگر به هیجان درمی آورند، از جمله این نقاط حساس است: پول، حرص به ثروت و آزمندی به نیازهای مادی و عواطف بشری، هر یک از این نکات ضعف انسانی و محورهای کلیدی، به تنها یی برای تسخیر افکار عمومی و نابودی و فلنج ساختن حرکتها و رهبری احساسات جوامع بشری، کافی است و می تواند نیروی اراده مردم را تابع و تسليم کسی کند که کار و فعالیت آنان را خریده و در اختیار دارد.^(۱)

انحراف مسیحیت

کسانی که در تاریخ مسیحیت، مطالعه دقیق و گسترده دارند، قلب سالم، حق پسندی و عدالتخواهی و مطالعه تاریخی آنان گواهی می دهد که گمراهی مسیحیان فقط به

۱ - پروتکلهای دانشوران صهیون، پروتکل اول، ص ۲۵۹ آستان قدس رضوی (با تصرف).

نوعی انحراف محدود و جزئی و جهل و برداشت نادرست و غلط فهمی ظاهری منحصر نمی‌شود بلکه گمراهی آنان خیلی فراتر، و حال آنان مانند مسافری است که از جاده و مسیری که مقصد اوست منحرف شده و راهی را در پیش گرفته است که درست عکس منزل مقصود است، او هر چند با سرعت به جلو گام بردارد از مسیر واقعی خویش دورتر می‌شود و از منزل مقصود بیشتر فاصله می‌گیرد.

و این بیت فارسی، در حق او صدق می‌کند:

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی

کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است^(۱)

گمراهی مسیحیت، نتیجه این واقعیت است که خداوند متعال، ادیان گذشته آسمانی را فقط وسیله اشاعه و گسترش دین قرار داده است، از این روی انسانهای بی‌شماری، قبل از آمدن آخرین دین و پیش از بعثت خاتم پیامبران، به وسیله آن

۱ - سرزمین حجاز و بیت الله، سمت مغرب کشور ایران قرار دارند و ترکستان در سمت شرق واقع است. بنابراین اگر کسی به قصد بیت الله، به سوی شرق حرکت کند، بجای کعبه به ترکستان می‌رسد.

دین‌ها، هدایت شده و به رستگاری و نجات اخروی نایل آمده‌اند.

اما چون این ادیان، برای همیشه تجویز نشده بودند، خداوند متعال حفظ همیشگی آنها را وعده نفرمودند و در قرآن مجید نیز چنین تصریحی وجود ندارد. بلکه بر عکس قرآن، در این رابطه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا اسْتُحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاء﴾.^(۱)

(دانشمندان و علمای یهود (و نصاری) مامور حفظ و نگهداری کتاب آسمانی خود بودند).

اما در حق قرآن مجید می‌فرماید:

﴿أَنَا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾.

(ما محافظ و نگهبان آن هستیم).

در هیچ جای قرآن، چنین مطلبی وجود ندارد که خود «الله» حفاظت کتابهای آسمانی قدیم را به عهده گرفته باشد. (بنابراین تا زمانی که دانشمندان و علمای ادیان گذشته،

احساس مسؤولیت و انجام وظیفه می‌کردند، آن کتابها محفوظ ماندند، و سرانجام به علت اینکه خداوند حفظ آنها را به عهده نگرفته بود، توسط عالمان سوء مورد دستبرد و تحریف قرارگرفتند - (م)

سدی در برابر اضطراب فکری

عدم وجود عقیده ختم نبوت، در ادیان گذشته، نقش بسزایی در تحریف آن دین‌ها داشته است. زیرا در آن ادیان، هیچ مانع و سدی در برابر مدعیان دروغین نبوت ایجاد نشده است، و در این رابطه هیچگونه تعهد و اعلانی صورت نگرفته است از اینجاست که در ادیان گذشته، افراد زیادی یکی پس از دیگری، ادعای نبوت کرده و مردم از دعوت آنان متأثر می‌شدند و دنیای یهودی و مسیحی، با بحران و پراکندگی ذهنی و مذهبی رو به رو شده است.

کسانی که تاریخ دین یهودی و مسیحی را مطالعه کرده‌اند، به خوبی می‌دانند که کثرت تعداد مدعیان نبوت، در این دو

آین، موجب فاجعه و فتنه بزرگی شده است، این علت برای آنان به عنوان یک بحران (CRISIS) و مساله بسیار مهم (PROBLEM) شناخته شده است، توجه بندۀ را برای اولین بار در این رابطه یکی از نوشه‌های علامه اقبال (که خداوند مقام او را در بهشت بلند فرماید) به خود جلب کرد، وی برای اولین بار (تا جایی که بندۀ مطالعه کرده‌ام) نوشه‌اند که ختم نبوت، نشان عالی و امتیاز ویژه و نعمت بزرگی است که خداوند بر امت اسلامی عنایت فرموده است، گویا خداوند بوسیله اعلان ختم نبوت، چنین فرمودند که اکنون نباید برای انتظار وحی جدید به سوی آسمان بنگرید، بلکه اکنون وقت آنست که به سوی زمین بنگرید و شایستگی و توانمندی خود را برای آبادی زمین (که جانشین خدا در روی آن هستید) و همدردی با انسانها و تلاش برای رستگاری و خوشبختی ابدی آنان صرف کنید آری، اینک توانمندی خود را در این میدان ضایع نکنید که هر چندگاه به سوی آسمان بنگرید که آیا منجی و پیامبری جدید، با وحی و آیینی تازه، از راه نرسیده؟ آیا مستقیماً راهنمایی و دستورالعملی از

آسمان فرود نمی‌آید؟

اقبال نوشته است که:

که «ختم نبوت» نعمتی است که این امت را از تفرقه، و
اضطراب فکری و از گرفتار شدن در دام انسانهای فربیکار
نجات بخشیده است.»^(۱)

در پرتو این گفتار بود که بنده، بطور مستقیم به بررسی و
مطالعه تاریخ دین یهودی و مسیحی پرداختم، در خلال
مطالعه دریافتتم که دانشمندان یهود و مسیحی در عالم
نگرانی و پریشانی عجیبی بسر می‌برند و نمی‌دانند چه
راهکاری انتخاب کنند تا از این مصیبت بزرگ، رهایی یابند،
زیرا هر روز، یک مدعی جدیدی برای نبوت سربر می‌آورد و
برای اثبات راستگویی و دروغگویی او باید معیاری وجود
داشته باشد و آن هم در حدی باشد که فراخور فهم همگان

۱ - برای تفصیل بیشتر رجوع شود به «سخنرانیهای علامه اقبال در مدارس» RECONSTRUCTION OF RELIGIOUS THOUGHT IN ISLAM و ترجمه‌های فارسی آن: «بازسازی اندیشه» و «احیای فکر دینی در اسلام».

باشد، دانشمندان این دو آیین می‌گویند، همه نیروی فکری و توان ما در این راه صرف می‌شود که ثابت کنیم فلان مدعی نبوت، دروغین یا دجال یا کذاب است، آری! دنیای یهودی و مسیحی، قرنها در این آزمایش سخت دست و پا زده است. در اینجا از منابع معتبر یهودی و مسیحی، فقط دو نمونه، اقتباس و تقدیم می‌گردد:

(آلبرت ام تایمسون) (ALBERT M. TAYMSON) عضو
برجسته مجمع تاریخی یهود (اروپا) در کتاب «دائرة
ال المعارف مذاهب و اخلاق» می‌نویسد:

«پس از سلب آزادی حکومت یهود (در این مدت زمان که تا چند نسل ادامه یافت) عده زیادی ادعای پیامبری نموده و خود را مسیح موعود پنداشته‌اند، این پیام آوران نوید بخش، در تاریکترین دوران تبعید و آوارگی، همواره یهودیان را به بازگشت دوباره به میهن خویش (جایی که اجداد و پدرانشان از آنجا اخراج و تبعید شده‌اند) مژده و امید می‌دادند، اغلب این افراد (به خصوص در زمانه‌های قدیم) در مکان و زمانی ظهور می‌کردند که ظلم و ستم بر یهود به اوج خود می‌رسید و

نشانه‌های شورش و اعتراض علیه این وضع رسوا کننده پدیدار می‌گشت غالب این جنبشها از نوع سیاسی بود، مخصوصاً در دوره‌های اخیر، که تقریباً، همه جنبشها رنگ سیاسی داشته است، گرچه این حرکتها، کاملاً از عنصر و مظہر دینی، بی‌بهره نبودند. اما بنیانگذاران آنها، به ترویج بدعتات و توسعه بخشیدن قلمرو سیادت و نفوذ خویش، تلاش می‌کردند، در نتیجه این اقدام‌ها، تعالیم اصلی یهود، در معرض نابودی قرار می‌گرفت و فرقه‌های جدیدی پدید می‌آمد و سپس در نهایت به مسیحیت یا اسلام می‌پیوستند.^(۱)

ادوین کنوکس میتشل (EDWIN KNOX MITCHELL) استاد تاریخ کلیساهاي یونانی، رومی و شرقی در مدرسه مذهبی هارت فورد (HARTFORD) نسبت به این بلای بزرگ، در مسیحیت، می‌نویسد:

«این پیامبران دروغین که مدعی حکمت ماورائی^(۱) بودند، به زودی مورد عدم اعتماد (SUPERIOR WISDOM) قرار می‌گرفتند و اسقف‌ها و رهبران کلیسا احساس می‌کردند که خطری جدی آینده کلیسا و منافع آنها را تهدید می‌کند و تا آن زمان هنوز یک روش تادیبی به وجود نیامده بود که هم شناخته شده باشد و هم بتواند قدرت فریبکاران را نابود کند و بدان وسیله، مکاران سودجو که مدعی بودند خداوند با آنها سخن می‌گوید و به وسیله وحی رازهای سربسته را با آنان، در میان می‌گذارد، تنبیه شوند، آری! هنوز چنین محک و معیاری وجود نداشت که به وسیله آن بتوان صدق و راستی و میزان روحانیت این مدعیان را مورد آزمایش قرار داد، کشف چنین معیاری به طور قطع لازم و ضروری بود، و اگر در اکتشاف این معیار، موفقیت حاصل نمی‌شد، کلیسا، ناگزیر بود به وضع و تعیین آن معیار اقدام کند تا بدینوسیله از شکست و پراکندگی اصول اساسی مذهب و راه یافتن الحاد

۱ - حکمت ماوراء عقل که از منبع غیب سرچشمه می‌گیرد (مترجم)

در زندگی، جلوگیری بعمل آید و بدین ترتیب چاره‌ای نیز برای حفظ و آرامش خود بیندیشد».^(۱)

اینک فکر کنید، وقتی اصل مذهب، چنین سرنوشتی داشته باشد، وضع بقیه کارها روشن است. اینجاست که با در نظر داشتن حقایق یاد شده، به مفهوم و اهمیت این حدیث که همواره آن را قرائت و تدریس می‌کنیم پی می‌بریم، من خود نیز از جمله کسانی هستم که بحمد الله، دروس حدیث را فرا گرفته و تدریس هم نموده‌ام، اما حقیقت این است که زمانی به اهمیت و ارزش این حدیث پی بردم که مسأله ختم نبوت عنوان شد و از بحران فکری و اضطراب روحی یهود و مسیحیان آگاهی یافتم، این اطلاعات، ما را در فهم این حدیث یاری نمود، متن روایت که در کتب حدیث آمده، به این شرح است:

« جاءَ رَجُلٌ مِّنَ الْيَهُودِ إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّكُمْ تَقْرَأُونَ آيَةً فِي كِتَابِكُمْ، لَوْ عَلِيْنَا مَعْشَرٌ

الیهود نزلت لا تخذنا ذلک الیوم عیداً، قال: واى آیة؟ فقال
قوله: «الیوم أكملت لکم دینکم و أتمت علیکم نعمتی» فقال
عمر رض و الله إنى لأعلم الیوم الذى نزلت على رسول
الله صلی اللہ علیہ وسَّلَّد ، و الساعة التي نزلت فيها على رسول الله صلی اللہ علیہ وسَّلَّد ،
عشية عرفة يوم جمعة». ^(۱)

در اینجا نکات مهمی را باید مورد توجه قرار داد، زیرا
قضیه مربوط به یکی از دانشمندان یهود است (نه فرد
معمولی) که به خدمت حضرت عمر رض حاضر شد و
گفت: یا امیر المؤمنین! شما در کتاب مقدس خود، آیه‌ای
می‌خوانید که اگر آن آیه بر ما ملت یهود نازل می‌شد، روز
نزول آن را به عنوان روز عید، جشن می‌گرفتیم، اما شما به
آسانی از آن می‌گذرید، (گویا در نیافته‌اید که این آیه چقدر
مهم و حدفاصل بین ادیان و نعمت بزرگی است در حق امت
اسلام).

۱ - روایت صحیح بخاری، کتب صحاح و سنن، مستند امام احمد بن حنبل
(متن حدیث از مستند احمد بن حنبل نقل شده است).

حضرت عمر پرسید، منظور شما کدام آیه است؟ یهودی گفت: آیه «الیوم اکملت لکم دینکم...» حضرت عمر فرمود، بخدا سوگند که ما آن روز و آن ساعت را که این آیه بر حضرت رسول اکرم ﷺ فرود آمد، به خوبی می‌دانیم آن روز، روز جمعه و شامگاه روز عرفه (نهم ذی حجه) بود.^(۱) در این پاسخ، نبوغ اندیشه و راهنمایی فاروقی، نمایان است. ایشان فرمودند که من به خوبی یاد دارم که این آیه در روز وقوف عرفه و روز جمعه نازل شد و این روز، عید رسمی و شناخته شده‌ای است،^(۲) همچنین حضرت عمر رض در این پاسخ، به این نکته نیز اشاره فرموده است که ما به جشن و عید جدیدی نیاز نداریم (و اسلام در حقیقت،

۱ - همچنین در کتاب «اصول کافی» باب «ما نص الله» به روایت ابوالحارودیه از امام صادق علیه السلام آمده است که این آیه روز عرفه نازل شده است. (متترجم)

۲ - بدین ترتیب این آیه در فاصله زمانی دو عید نازل شده است یکی روز جمعه و دیگری روز عید قربان زیرا شامگاه روز عرفه، شب عید قربان است. (متترجم)

دین جشنواره‌ها و اعیاد ساختگی نیست).

یک نعمت و امتیاز ویژه

فهم و درایت این مرد یهودی قابل تحسین است و این گفتار او، یک مدرک و گواهی مهم تاریخی تلقی می‌شود و این گواهی از نظر روایت و تاریخ نیز مستند و معتبر است و به اعتبار قراین و شواهد نیز، قابل فهم است، از این روایت ثابت شد که بنابر گواهی یک دانشمند یهودی (که نماینده آگاه و مستند مذهب خویش بشمار می‌رود) در دین یهود نسبت به ختم نبوت هیچگونه اعلام، و مطلبی وجود ندارد، اما در دین اسلام، این مطلب صراحتاً اعلام شده است، خدا می‌داند آن عالم یهود با چه اندوه و حسرتی این مطلب را به حضرت عمر رض بیان داشته است، اگر امروز، آن یهودی در پیش چشم ما حاضر می‌بود، آثار اضطراب و اندوه و حسرت را برابر سیما و چهره‌اش به خوبی مشاهده می‌کردید، اگر انسان عمق قدرت و گیرایی الفاظ و تعبیر این گفتار را بررسی کند، تا

حدی در می‌یابد که چگونه و با چه حسرتی، این مفهوم را اظهار داشته است، از این تحلیل به این نتیجه می‌رسیم که در آن مذهب، هیچگونه اعلانی در این رابطه، از سوی خداوند وجود ندارد، ولطف و احسان خداوندی است که دین اسلام را به این خصوصیت و امتیاز بزرگ، افتخار بخشیده که تکمیل دین و پایان نبوت را اعلام فرمود و اسلام را بعنوان آخرین آئین برگزیده انتخاب نمود.

حفظ و پیشرفت دین

در اینجا ذکر این نکته لازم است که در تاریخ اسلام دو فریضه «پیشرفت و حفظ دین» همگام و دوشادوش یکدیگر پیش رفته‌اند، اما ویژگیها و شرایط دقیق و معیارهای بلند و حساسی که برای حفظ و نگهداری دین ضروری است، برای نشر و ترویج دین، چندان ضروری نمی‌باشد. زیرا ترویج دین، به وسیله زمامداران و پادشاهان و کشورگشایان، نیز انجام شده است، مثلاً تنها در زمان خلافت ولید بن

عبدالملک (که ما آن را خلافت الگویی نمی‌دانیم) هزاران یا شاید میلیونها انسان، مسلمان شده‌اند. زیرا گسترهٔ فتوحات، و گرایش مردم به اسلام، در زمان ولید به حدی بود که در زمان خلفا و سلاطین دیگر کمتر نظیر دارد، عقبه بن نافع، از دمشق حرکت می‌کند و کشورهای مصر، لیبی، طرابلس، الجزایر، تونس، مراکش و رباط را در می‌نوردد و افریقای شمالی را یکپارچه زیر پرچم اسلام در می‌آورد، آنگاه که به اقیانوس اطلس می‌رسد، از اسب فرود می‌آید و با تأسف می‌گوید: «اللهی، اگر این دریا مانع نبود، من همچنان تا آخرین گوشه زمین پیش می‌رفتم و دین ترا منتشر می‌ساختم.»^(۱)

بنده (نویسنده) در یکی از سفرهایم به کشور مغرب، آن محل را مشاهده نموده‌ام، و نام آن تا امروز نیز «اسفی»^(۲) (افسوس) است، معلوم می‌شود که عقبه با حسرت و اخلاص کامل، این کلمه را بر زبان آورده است که آن محل تا

۱ - تاریخ کامل، ابن اثیر ج ۳ ص ۴۲-۳

۲ - گویا عقبه می‌گوید: افسوس که این دریا مرا از پیشوای باز می‌دارد.

امروز نیز، به همین نام باقی مانده است.

آری! خداوند برای گسترش و ترویج دین، از فاتحان و فرماندهان و سپاهیان اسلام، نیز کار گرفته است. خداوند به آنان پاداش نیکو عنایت کند، ما باید همواره از این بابت ممنون آنان باشیم و آنان را به نیکی یاد کنیم، بنده، از کسانی نیستم که نقش رهبران و فاتحان اسلامی را در تاریخ اسلام، کاملاً نادیده گرفته و تصویری ارائه می‌کنند که مستحق هیچ‌گونه تقدیر و تشکر نباشد، حال آنکه خداوند به دست آنان کارهای بزرگی صادر نموده است. بدون شک، اسلام به وسیله خلفای بنی امیه و دیگر پادشاهان و فرمانروایان مسلمان، نیز پیشرفت نموده است همانگونه که بدست دعو تگران اسلامی ترویج یافته است.

مثلاً در افریقا، توسط شیخ عبدالقدیر جیلانی و پیروان وی بسیار گسترش یافته است، همچنین به وسیله سادات و شیوخ و تجار حضرتی، در مالیزیا و اندونزی، اسلام گسترش فراوانی داشته است، در هند، به وسیله خواجه معین الدین چشتی، و جانشینان وی، نشر دین در حد وسیعی

صورت گرفته است، ولی افسوس که اثر تحقیقی و گزارش مفصلی در این زمینه وجود ندارد، اما در تاریخ، این حقیقت به ثبت رسیده است، حتی ابوالفضل که از مورخان ضد دین «سیکولار» (SECULAR) بود نیز به این حقیقت به تعبیر زیبایی اعتراف کرده است.^(۱)

در تاریخ نشر و گسترش اسلام در هندوستان، اسامی دعوتگران دیگری نیز می درخشد، مانند امیرکبیر سید علی همدانی که قسمت اعظم مردم کشمیر به دست او مسلمان شدند، شیخ اسماعیل لاهوری، و خواجه فرید الدین گنج شکر^(۲) و امام سید احمد شهید که چهل هزار نفر بدست ایشان مسلمان شدند.^(۳)

۱ - آئین اکبری اثر ابوالفضل بن مبارک ص ۲۷۰.

۲ - کتاب «دعوت اسلام» به زبان اردو که ترجمه کتاب PREACHING OF ISLAM اثر پروفسور آرنولد است. صفحات ۲۷۸-۲۷۹ و ۲۸۸-۹. چاپ لاهور سال ۱۹۷۲ م.

۳ - سوانح احمدی.

شرایط و صفات محافظان دین

اما مسؤولیت پاسداری و حفظ دین از تحریف و انحراف، به صفات ویژه و مهارتهای خاصی نیاز دارد، پاسدار دین، باید دارای قدرت روحی و معنوی قوی، اعتقاد راسخ به جاودانگی اسلام، توان تمییز بین اسلام و جاهلیت و بین حق و باطل، حدیث شناسی^(۱) (و آشنایی با طبیعت نبوی و آگاهی از تاریخ مصلحان و مجددان دین، در عصرهای مختلف)^(۲) و بالاتر از همه، دارای غیرت دینی باشد، مسلم است که این مهارت‌ها برای پیشرفت و گسترش اسلام، چندان ضروری نیستند، به همین دلیل است که حفاظت و پاسداری از دین و پاکسازی آن از بدعتات و رسوم باطل، به عهده علمای ربانی آگاه و غیور و جانشینان رسول

۱ - برای تفصیل بیشتر به کتاب دیگر مؤلف «دورالحدیث فی تکوین المناخ الاسلامی و صیانته» مراجعه شود.

۲ - ر.ک «رجال الفکر و الدعوة فی الاسلام».

الله ﷺ سپرده شده است و اکنون فقط علماء و فضلای مدارس دینی، این مسؤولیت را بر دوش دارند و در این رابطه پیشگویی هم شده است، آنجا که رسول ﷺ می فرمایند:

«يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ مَنْ كُلُّ خَلْفٍ عَدُولُهُ يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفُ
الْغَالِينَ وَ إِنْتَهَى الْمُبْطَلِينَ وَ تَأْوِيلُ الْجَاهِلِينَ». (۱)

(در هر نسل، افراد متقدی و عادلی وارث و حامل این علم می گردند که آنرا از تحریف افراطی ها و دستبرد اهل باطل و توجیه بی مورد جاهلان، حفظ می کنند).

قرآن مجید می فرماید:

﴿وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾. (۲)

(پامبر خودسرانه، از روی هوای نفس سخن نمی گوید و قرآن چیزی جز وحی و پیام الهی نیست).

حقا که فقط یک پامبر راستین می تواند چنین حقایقی را

۱ - مشکوک، فصل دوم، کتاب العلم ص ۳۶

۲ - سوره نجم آیه ۳ و ۴

بر زبان بیاورد، اگر شما همه تاریخ اصلاح و تجدید عظمت دین را کاملاً مطالعه کنید می‌بینید که هر کاری که در زمینه حفظ و تجدید دین انجام شده است، حتماً در یکی از عناوین یاد شده در حدیث بالا داخل است و این حدیث همه فعالیتهای اصلاحی را شامل می‌شود، افسوس که ما به اعماق و آفاق این حدیث دقت نکرده و آنرا مورد بررسی قرار نداده‌ایم. زیرا الفاظ نیز دارای عمق و افق (مرز و کرانه) هستند، ژرف و کرانه‌های الفاظ نبوی بسیار وسیع است، بجز پیامبر برگزیده الهی، کسی دیگر نمی‌توانست ۱۴۰۰ سال قبل، چنین مطلبی برزبان بیاورد که: «يَنْفُونَ عَنْهِ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ انتِحَالِ الْمُبِطَّلِينَ وَ تَاوِيلِ الْجَاهِلِينَ» (دین را از تحریف افراطی‌ها، نسبت‌های بی‌مورد و بدعتهای ناروا و تاویل بی‌خردان، حفظ می‌نمایند) حقاً که همه تاریخ اصلاح و تجدید، توضیح و تشریح همین حدیث است.

فتنه قادیانیت

در میان فتنه‌هایی که در طول تاریخ اسلامی، پدید آمده‌اند، فتنه «قادیانیت» منحصر بفرد است، بنده به مطالعه آن بخش تاریخ که متعلق به ادیان و عقاید و افکار و نهضتها و جنبشها است بسیار علاقه داشته و دارم بنابراین، در پرتو مطالعات محدود خویش می‌توانم ادعائنم که از زمان ظهور اسلام تاکنون، هیچ فتنه‌ای به اندازه فتنه قادیانیت حساس و پیچیده و خطرناک نبوده است. زیرا این حرکت، دعوتی است آشکار برای تاسیس دین جدید و ملت مستقل که این بعد از خطرناکترین (و اختصاصی‌ترین) ابعاد آن بشمار می‌آید، بیشتر کسانی که در ابتدا، پیامون این موضوع قلم برداشته‌اند از عمق خطرها و ابعاد همه جانبه این حرکت شوم آگاهی نداشته‌اند زیرا بسیاری از حقایق به زمان و مکان تعلق دارند و تنها تیزهوشی و دانش وسیع، برای درک آنها کافی نیست، بنابراین، نسبت به قضیه و جریانی که هنوز پیش

نیامده نمی‌توانیم، داوری کنیم.

از اینجاست که بسیاری از نویسندهای و مناظران ما (که شایسته تقدیر و تشکر هستند) زمانی به تحلیل و نقد آراء این فرقه پرداخته‌اند که هنوز چهره راستین و برنامه کامل این حرکت شوم (که طی مراحل تدریجی و برنامه طرح ریزی شده تکامل یافته است) کاملاً روشن نبوده است، از اینجاست که دچار اشتباه شده و قادیانیت را یک اقلیت مسلمان پنداشته‌اند که در یک عقیده دینی یا رأی علمی با سایر مسلمین اختلاف نظر دارند حال آنکه این نظریه اشتباه است و قادیانیت مدعی دین و آیین مستقلی است که در برابر دین اسلام طرح ریزی شده است، آنها نظام دینی نوینی ترتیب داده و دارای کتابها، شعائر، مقدسات، قبله و طرز تفکر جداگانه‌ای هستند و به جای همه مراسم و شعائر اسلامی، جایگزینی تهیه نموده‌اند^(۱) و حتی در برابر ماههای

۱ - بطور مثال بجای حج بیت الله، حج «قادیان» به جای زیارت روضه نبوی، زیارت قبر «میرزا غلام احمد» (مؤسس مذهب) به جای بیت المقدس، مسجد شهر قادیان و بجای پیامبر اسلام و اصحاب او، آقای قادیانی و یاران

هجری، قمری تقویم اسلامی، ماههای نوینی (براساس تاریخچه این حرکت) ترتیب داده‌اند، وقت ایجاد نمی‌کند که در این باره به تفصیل بحث شود، در کتابهای متعدد، آراء باطل و اندیشه‌های پوج این فرقه ضد اسلامی بیان شده است، در کتاب «قادیانیت» تالیف اینجانب نیز، باب مستقلی تحت عنوان «دین و امت مستقل» وجود دارد (برای آگاهی بیشتر به آن کتاب مراجعه فرمایید).

نباید فراموش کرد که «قادیانیت» تلاشی است گسترده برای تاسیس دین و مذهب مستقل، این فرقه آقای «قادیانی» را از سایر انبیاء برتر می‌دانند.^(۱) بار دیگر عرض می‌کنم که علامه اقبال، این حقیقت را به خوبی درک کرده بود، وقتی جواهر لعل نهر و (نخست وزیر اسبق هند)، این سوال را

او را در نظر گرفته‌اند؛ برای تفصیل بیشتر رجوع شود به کتاب «القادیانی والقادیانیه» اثر همین نویسنده - مترجم).

۱ - خود آقای قادیانی می‌گوید: «خواست الهی بوده است که صفات و کمالات همه انبیا را در وجود یک فرد جمع کند و آن فرد من هستم»، (براہین احمدیہ ج ۵ ص ۹۰ - مترجم)

عنوان کرد که: چرا مسلمانان در برابر «قادیانیت» بیش از حد حساسیت نشان می‌دهند و آن را از مسلمانان جدا می‌دانند؟ حال آنکه آنان نیز جزو یکی از فرقه‌های متعدد مسلمین هستند؟ و کمال اتابرک نیز اصلاحاتی در دین به وجود آورد و آرای جدیدی ارائه کرد. اما در تکفیر و رد او تا این حد حساسیت نشان داده نشد؟^(۱) علامه اقبال در پاسخ وی، این حقیقت را بوضوح بیان می‌دارد که وحدت و کیان امت اسلامی، بر عقیده ختم نبوت استوار است.

به عقیده بنده قاطعیت ایشان در برابر این سوال مغض توافق الهی بوده است.

بنده ایشان را تفسیر و مصدق این آیه می‌دانم که: «وَلَهُ
جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^(۲) (لشکرها (وقای) آسمانها و زمین، مال خداست).

اگر خدای ناخواسته، علامه اقبال در این مورد، اندکی

۱ - نشریه STATESMAN

۲ - سوره فتح آیه ۴ و ۶

دچار تردید و شک می‌شد، اکنون نجات نسل جوان، بسیار مشکل بود، لیکن نتیجه دعای مردان مخلص الهی بود که علامه اقبال به توفیق خدا توانست تردیدی به خود راه ندهد، ایشان در این رابطه شاهکار علمی و فکری ارائه داده‌اند، وی در مقاله‌ای به زبان انگلیسی که در پاسخ جواهر لعل نهر و منتشر شده است چنین می‌نویسد:

«اسلام به عنوان یک آئین، بر شریعت و عقاید مخصوص خود استوار است اما وجود جامعه اسلامی بعنوان یک امت، وابسته به شخصیت حضرت محمد ﷺ و اعتقاد به ختم نبوت است، شریعت اسلام، برای استوار ماندن نظام اسلامی کافی است اما وحدت و تشکّل امت اسلامی و رمز پایداری آن، به عقیده ختم نبوت استوار است.»^(۱)

مطلوب دیگری که علامه اقبال به آن تصریح کرده است اینکه می‌گوید: این فتنه یکی از توطئه‌ها و برنامه‌های وسیع و

۱ - مراجعه شود: ISLAM AND AHMADISM انتشارات مجلس تحقیقات

و نشریات اسلام، ندوة العلماء لکھنؤ.

www.abulhasanalinadwi.org

گسترده بریتانیا و دولتهای غربی است. این نکته یکی از حقایق تاریخی است که مدرک زنده‌ای برای اثبات آن وجود دارد، خود آقای غلام میرزا در کتاب «تربیاق القلوب» نوشته است:

«بیشترین قسمت عمر من، در تایید و حمایت از حکومت انگلیس صرف شده است و درباره ممنوعیت و حرمت جهاد و وجوب اطاعت اولی الامر (حکومت انگلیس) کتابها و نشریه‌های بی‌شماری نوشته و منتشر ساخته‌ام، که اگر همه آنها یکجا جمع شود پنجاه گمد پر خواهد شد، من همه این کتابها را در کشورهای عربی، مصر، شام ترکیه و کشورهای دیگر منتشر کرده‌ام، هدف من دائمًا این بوده که مسلمین خیرخواه و دوستدار این حکومت باشند و از دلهای خود روایات و افسانه‌های «مهدی» سفاک و «مسيح» خونخوار را بپرون برانند و احکامی که انگیزه جهاد را در دلها می‌پرورانند و قلوب نادانان و ابلهان را فاسد

می‌کنند از ذهن خود بزدایند.»^(۱) همچنین در آخر کتاب «گواهی قرآن» می‌گوید: «اعتقاد همیشگی بنده این است که اسلام دارای دو بخش است: بخش اول اطاعت خدا و بخش دوم اطاعت از حکومتی که امنیت را در صحنه گیته برقرار ساخته و ما را در سایه خود از گزند ظالمان پناه داده است و همانا آن حکومت بریتانیا است.»^(۲)

جناب میرزا آقا در تقاضایی که در تاریخ ۲۴ فوریه سال ۱۸۹۸ م به معاونت استانداری «پنجاب» (که از سوی حکومت انگلیس اداره می‌شد) تقدیم کرده است، خود و خانواده خویش را وفادار و جان نثار حکومت بریتانیا و دست نشانده «بذر خود کاشته» انگلیس نامیده است.^(۳)

۱ - تربیاق القلوب ص ۱۵.

۲ - ضمیمه کتاب «گواهی قرآن» (مترجم به نقل از کتاب «القادنی و القادنیه» اثر همین مؤلف).

۳ - تبلیغ رسالت ج ۷ ص ۲۵-۱۹ برای تفصیل بیشتر، رجوع شود به کتاب «قادیانیت» فصل دوم، «حمایت از حکومت انگلیس و الغای جهاد».

چنانکه در این نامه می‌نویسد:

«از حکومت وقت انتظار دارم که این خانواده را که «بذر خود کاشته» انگلیس است مورد عنایت خاص قرار داده و همه دولتمردان خود را سفارش کند تا اینجانب و همفکرانم از مزايا و تسهيلات ویژه برخوردار باشيم.»^(۱)

علامه اقبال (ره) به طرز بسیار لطیف و حکیمانه‌ای، ارتباط بین حرکت قادیانی و منافع سیاسی استعمار انگلیس را آشکار ساخته است ایشان در مورد امامت و نبوت (که قادیانی مدعی آنها بود) سروده‌های زیبایی دارد، وی در ابیاتی به زبان اردو تحت عنوان «امامت» می‌گوید:

«از حقیقت امامت، پرسیدی!

آری! حق، تو را مانند من صاحب اسرار کند
امام و رهبر راستین زمان توکسی است که
ترا از حاضر و موجود بیزار کند (و به جهان آخرت
امیدوار گرداند).

۱ - قادیانیت، فصل دوم (متترجم).

در آینه مرگ، سیمای دوست را به تو بنماید
 زندگی در جهان مادی را بیش از پیش برای تو دشوار کند
 ترا از خطرها و ضررها آگاه سازد و روح غیرت و حماسه
 را در وجودت زنده گرداند
 به وسیله اکسیر فقر از وجود تو شمشیری بران بسازد
 امامت و رهبری فردی که مسلمان را جیره خوار حکام و
 سلاطین کند

فتنه بزرگی برای ملت اسلام خواهد بود».

همچنین تحت عنوان «نبوت» می‌سراید:
 «من نه عارفم نه مجدد نه محدث و نه فقیه
 نمی‌دانم مقام و جایگاه نبوت چیست؟
 هان، البته در مورد جهان اسلام صاحب‌نظر هستم
 ضمیر آسمان نیلگون به روی من گشوده است
 من در شب تاریک عصر حاضر، حقیقتی را دیده‌ام
 که مانند بدر کامل (ماه ۱۴) روشن و درخشان است
 (لذا به کمک این تجربه می‌گویم)

نبوتی که از توانمندی، قیام، مبارزه و شوکت و عظمت

بی بھرہ باشد، آن نبوت برای مسلمین، به اندازه برگ گیا ہی ارزش ندارد۔

این حقایق از زبان فردی جاری است، که تحصیلات عالی خود را در دانشگاه کمبریج (لندن) به پایان رسانده است، خداوند دو شخصیت (بزرگ) را در پنجاب بوجود آورده است (من در اینجا مولانا سید محمد علی مونگیری مولانا ثناء اللہ امر تسری، مولانا محمد حسین بتالوی، علامہ انور شاہ کشمیری، و مولانا سید عطاء اللہ شاہ بخاری و همچنین پروفسور الیاس برنسی و دیگران را ذکر نمی کنم، که در این رابطه به مقاله مستقل بلکه به رساله و کتاب جداگانه ای نیاز است) از شما تقاضا می کنم که آنان را در دعاهای خویش یاد کنید، این دو شخصیت عبارتند از علامہ اقبال و مولانا ظفر علی خان، (مدیر نشریه «زمیندار») اگر این دونفر به موقع به میدان نمی آمدند، اکنون بدست آوردن نسل امروز که با زبان و تعبیر بیان و شیوه استدلال ما آشنایی نداشتند، بسیار مشکل بود، اشعار بسیار عمیق و مؤثر و سحرانگیز علامہ اقبال و قدرت بیان ظفر علی خان، باعث

شد تا آنان از خطر قادیانیت نجات یابند.

رسالت حوزه‌های علمیه و علمای دین

فضلاً محترم، طلاب و جوانان عزیز و مهمانان گرامی! فرضیه حفاظت دین (از بدعت و خرافات) امروز نیز مانند گذشته، وظیفه علماء و طلاب علوم دینی و فارغ‌التحصیلان مدارس و مراکز فرهنگی و تکلیف نائبان رسول الله ﷺ است، بنابراین برگزاری این کنفرانس در این مرکز علمی فرهنگی، بسیار بجا و بموضع است.

قبلًا عرض کردم که شرایط و صفات حفظ دین از شرایط و صفات نشر دین، عمیق‌تر، حساس‌تر و مهم‌تر است. برای حفظ دین، به فهم درست و عمیق دین، آشنایی کامل با اسرار و حقایق دینی، تربیت و استفاده از مریبان اهل فن و اساتید متخصص در علوم دینی، تحقیق و فraigیری زبان عربی نیاز داریم، مطالعه وسیع درباره تفسیر حدیث و تاریخ اصلاح و تجدید لازم است. علاوه بر آن به وجودان بیدار و بالاتر از

همه، به حمیت و غیرت اسلامی نیاز داریم و اسلاف و گذشتگان شما در این میدان ممتاز بودند.

بنده براساس تحقیق و مطالعات خویش می‌توانم اذعان کنم که از قرن یازدهم هجری تا کنون، همواره فریضه حفظ دین را در هند آن‌گروه قدسی انجام داده است که پیشاہنگ و امام آنان، حضرت سید احمد سرهندي، مجدد هزاره دوم (۹۷۱-۱۰۳۲ هجری) است که بعد از شیخ الاسلام ابن تیمیه (بردالله مضمون) پاسدار دین و مجددی که همپایه ایشان باشد، بسیار کم دیده می‌شود، اما از زمان مجدد الف ثانی (متولد ۹۷۱ و متوفای ۱۰۳۲ ه) تا عصر حاضر، حدائق در شبے قاره هند، وظیفه پاسداری دین، توسط آن دسته از علماء و تربیت یافته‌گان مراکز دینی و علمی انجام شده است که بر شیوه تفکر و مسلک حکیم الاسلام حضرت شاه ولی الله دھلوی (ره) استوار بوده و بر نقش قدم وی گام نهاده‌اند (امثال امام محمد قاسم نانوتوی، موسس دانشگاه دیوبند و شیخ محمد علی مونگیری موسس ندوة العلماء) و امروز نیز این حرکت تداوم دارد:

گمان مبرکه به پایان رسید کار مغان
هزار باده ناخورده در رگ تاک است

دروازه‌های فتنه

در زمان حاضر، بزرگترین مسؤولیت شما این است که فهم دین، تعبیر و برداشت درست دین و اصول بنیادین آن را از تغییر و تحریف حفظ و نگهداری کنید، این فرضیه، بزرگترین مسؤولیت فارغ‌التحصیلان مدارس عربی و حوزه‌های علمیه جهان اسلام است، آری، حفظ و پاسداری دین کار علماء و متفکران است و تنها علماء می‌توانند حق این مسؤولیت را ادا کنند، بنابراین لازم است برای رسیدن به این هدف، در جبهه‌هایی کار کرد که در حدیث گذشته «ینفون عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلين و تاویل الماجاهلين» اشاره شده است، خود رسول اکرم ﷺ حوزه استحفاظی و جبهه‌های مبارزه را تعیین فرموده است و ما را بر دروازه‌های ورودی و گلوگاه‌های حساس فتنه به نگهبانی و

پاسداری گماشته است، این جبهه‌ها و دروازه‌های فتنه عبارتند از:

۱ - تحریف افراطی‌ها (تحریف الغالین)

۲ - دستبرد اهل باطل (انتحال المبطلین)

۳ - تاویل و توجیه بی‌مورد جاھلان (تاویل الجاھلین)

بنده، خطاب به دوستان دانشمندم عرض می‌کنم که از هم اکنون، به مدت سه روز بیندیشید و عنوان چهارمی تجویز کنید که در این حدیث نیامده باشد، خواهید دید که آن عنوان نیز، تحت یکی از عناوین سه گانه حدیث خواهد آمد. زیرا عناوین یاد شده، مدعیان دروغین نبوت، تحریف کنندگان دین، ملحدان، تجددگرایان کاذب، اهل بدعت، فرقه باطنیه^(۱) و دیگر گروهکهای گمراه و کج اندیش را شامل می‌شود، کتاب معروف «الممل و النحل» اثر بالارزش علامه ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (متوفی ۵۴۸ھ) امروز نیز

۱ - باطنیه به پیروان مکتب اسماعیلیه و بطور کلی به فرقه‌هایی اطلاق می‌شود که می‌گفتند: ما به باطن کلام خدا توجه داریم و مقصود آن رادرک می‌کیم و نیازی به معانی ظاهری و تقید به شرع که کار عوامانه است نداریم (مترجم)

موجود است و بعد از این اثر نیز، کتابهای زیادی در موضوع ادیان و ملل جهان نوشته شده است. شما هر یک از فرقه‌های باطل و فتنه‌های زمان را که در این کتابها آمده است، در نظر بگیرید، خواهید دید که در یکی از این عناوین داخل است، امروز نیز، تفسیر و تشریع موارد یاد شده در حدیث، و محافظت امت اسلامی از این فتنه‌ها، مسؤولیت و تکلیف علماست.

علل انتشار قادیانیت

در اینجا به یک نکته مهم دیگر توجه فرمائید: اگر تاریخچه و سوابق حرکت قادیانی را بررسی کنید می‌دانید که چه عواملی سبب شد تا قادیانیت در جامعه اسلامی راه یابد و افکار و طبایع ناآرام زمان را به طرف خود متوجه سازد اگر بدقت بنگرید خواهید دید که اضطراب فکری، ادعای دروغین روحانیت و رونق بازار الهامات و بشارت‌های غیبی (و حالت انتظار) سبب شده تا زمینه برای این حرکت شوم فراهم آید، گویا مردم در آن زمان فراموش

کرده بودند که بینش و فهم عمیق دین، تفسیر درست حقایق و مفاهیم دینی، مبارزه با فتنه‌های زمان و نابودی توطئه‌های ضد دینی، از همان قرن اول اسلام، تا عصر حاضر پیوسته و بدون وقفه در میان امت اسلامی جریان داشته است.

درخت تنومند و پربار اسلام

بنده (در پرتو مطالعات خویش) به شما هشدار می‌دهم که نسل جوان را دریابید و اعتماد جوانان و تحصیلکرده‌ها را نسبت به بارآوری درخت تنومند اسلام و تسلسل نور هدایت و تاثیر ژرف قرآن مجید و استعدادهای امت اسلامی برای پرورش^(۱) مردان اندیشه و جهاد مستحکم سازید.

فتنه‌های کوچکتر از فتنه قادیانی (که نیازی ندارد از آنها نام ببریم) نیز از همین راه وارد شده و از ناگاهی نسل جوان استفاده کرده‌اند، زیرا تحصیلکرده‌ها و روشنفکران و حتی

۱ - بنده از بکار بردن واژه (تخلیق = آفرینش) اجتناب می‌کنم.

بسیاری از دانشمندان ما از این حقیقت بی‌اطلاع هستند که درخت پربار دین اسلام، همیشه سرسبز و شاداب بوده و در هر زمان شکوفه‌های تازه و میوه‌های جدیدی تقدیم نموده است و هیچ زمانی نگذشته که از محافظان اسلام، مجدها و دین و رهبران و مجاهدان اسلامی خالی باشد و هرگز قرآن و مفاهیم قرآنی و حقایق دینی بطور کلی از نظرها پوشیده نمانده است و دین اسلام و امت اسلامی هیچگاه، به تحریف عمومی و انحراف همگانی دچار نشده‌اند، و هرگاه در نقطه‌ای از جهان اسلام (بنابر عواملی) کوچکترین انحراف یا فتنه‌ای رخ داده است فوراً مجاهدان و مصلحان اسلامی برای سرکوبی آن قیام کرده و به قول معروف آب را به جوی بازگردانده‌اند.

ما معتقدیم که در طول تاریخ اسلامی، در هیچ نقطه‌ای از جهان اسلام، زمانی - هر چند کوتاه - نگذشته که در آن زمان، مردان حقگو و حامیان حق و حقیقت وجود نداشته و حقایق اساسی دین و تعالیم مهم قرآن (مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته) از نظر مردم پوشیده بماند، و امت اسلام

در گمراهی همگانی بسر برده باشد.

همین مطلب را رسول گرامی اسلام، در یک حدیث اینگونه بیان فرموده است: «لا تجتمع امتی علی ضلاله» (امت من هیچگاه بر هیچ نوع گمراهی، متفق نخواهد شد).^(۱)

نسل جوان را دریابید

همانگونه که قبلًا عرض کردم باید در برابر جوانان احساس مسؤولیت کنید و بکوشید بینش دینی آنان را استحکام بخشد و در این رابطه به شیوه مثبت عمل نمائید، باید در اذهان جوانان این حقیقت را استوار سازید که قرآن کتاب جاودان الهی است که از قدرت پرورش و تاثیر و نفوذ فوق العاده‌ای برخوردار است و شریعت اسلامی توانایی دارد که همگام با پیشرفت زمان، پاسخگوی نیازهای مردم و

حلال مشکلات و مسایل جدید باشد و علوم اسلامی زنده و در حال رشد و تعالی است.

این پندار که امت اسلامی (معاذ الله) عقیم شده و علوم اسلامی قدرت و کارآیی خود را از دست داده است و مسلمین قرنها و زمانهایی را پشت سر گذاشته‌اند که دوران جهل و تاریکی بوده، پنداری بس نادرست و خطرناک است که عواقب ناگواری بدنبال خواهد داشت و زمینه را برای فتنه‌جویان فراهم می‌کند، بنابراین، ضمن فعالیتهای دفاعی لازم، باید اقدام‌های ابتکاری و عالمانه نیز داشته باشید، و دین و مفاهیم اسلامی را به گونه‌ای تشریح و تفسیر کنید که برای مردم ثابت شود که دین اسلام برای همیشه پایدار است و نه تنها می‌تواند با پیشرفت‌های زمان همگام باشد، بلکه قدرت رهبری جهان و راهنمایی نسل جوان و توان پاسخگوئی به سوالات آنان را نیز دارد، همگام بودن با زمان، کار ساده‌ای است (و در حق اسلام، تعبیر شایسته‌ای نیست) زیرا همه مذاهب می‌توانند خود را با زمان وفق دهند، اما شایستگی رهبری صحیح، توان حل مسایل و مشکلات نوین

و نجات ملت و نسل جوان از فتنه‌های گوناگون و جلوگیری از انحرافات فقط از امتیازات و ویژگیهای علماء و رهبران امت اسلامی است.

امروز فتنه‌های زیادی ملل مسلمان را تهدید می‌کند، همانگونه که در اینجا (هند) قضایای زیادی، شخصیت اسلامی ملت ما را در خطر انداخته است مثل قضیه برابری قانون «احوال شخصیه» برای همه طوائف هندی و قضیه آموزش دینی دانش آموزان مسلمان.

این دو قضیه، در زندگی مسلمین هند، نقش اساسی دارند و بدینوسیله می‌توانند شخصیت شاخص اسلامی خود را حفظ کنند و در پرتوی تعالیم اسلام، به ادای رسالت خویش پردازنند.

در سرزمین هند، مجاهدان و دعوتگران زیادی گذشته است که بوسیله دعوت و مجاهده خود، در تمام جهان اسلام، روح تازه‌ای دمنیده‌اند و این سرزمین، با خون مجاهدان و شهدای راه حق، سیراب شده است. اما در این کره خاکی، مناطقی مانند ترکستان (و کشورهای تازه

استقلال یافته شوروی سابق) وجود دارد که مردانی چون امام بخاری رض را در وجود خود پروردۀ اند.

هنوز صدای دلنشین و ایمان افروز شیخ الاسلام علامه حسین احمد مدنی رض در گوشم طشن می‌اندازد که در کلاس درس حدیث، در همین دانشگاه (دارالعلوم دیوبند) همه روزه در آغاز درس می‌فرمود: «امیرالمؤمنین در حدیث رسول الله ﷺ امام محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن برذبۀ جعفی بخاری، با سند صحیح و متصل روایت می‌کند که...»

عرض کردم کشورهایی وجود دارد که میزان ناآگاهیشان از تعالیم اسلام، گرچه به میزان ناآگاهی و غربت اسلام در اسپانیا (و کشورهای اروپایی) نیست ولی از تعالیم اسلام بیگانه‌اند مانند چین، بلغارستان و آلبانی و برخی از کشورها که به رغم اینکه مسلمین، اکثریت جمعیت آنها را تشکیل می‌دهند، انسان نمی‌تواند در آن کشورها، آزادانه نام خدا را بر زبان بیاورد.

چند ماه پیش (ژوئیه ۱۹۸۶ م) برای شرکت در سمینار

«بنیاد جهانی ادبیات اسلامی» به همراهی عزیزم، علامه سید محمد رابع حسنی^(۱) به ترکیه مسافرت نموده بودیم، یکی از سخنرانان ترک، پس از اینکه سخنرانی خود را با «بسم الله» شروع کرد، گفت:

«چند سال پیش، وقتی در همین شهر، سخنرانی خود را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کردم با مشکلات فراوان و دردسرهایی روبرو شدم ولی امروز، بدون ترس و واهمه، سخنم را با نام خدا آغاز کردم.

به هر حال، بدانید که کمترین غفلت می‌تواند چهره و مسیر جامعه را عوض کند، لذا وظیفه شماست که نسبت به آموزش و تربیت اسلامی نسل جدید، اهتمام بورزید و سلسله مدارس و مکاتب را در هر شهر و آبادی فعال نمائید، باید در جنب هر مدرسه و حوزه و حتی دانشگاه، مکتبخانه‌های کوچک وجود داشته باشد که کودکان و نوجوانان

۱ - خواهرزاده و جانشین فعلی حضرت امام سید ابوالحسن علی حسنی قدس سرّه.

با قرآن و تعالیم اسلامی آشنا سازند و از همان کودکی روحیه دینی را در قلوب آنها پرورش دهند.

در خاتمه، خدا را سپاس می‌گوییم که این فرصت را میسر گردانید تا در این موضوع مهم، سخنانی ایراد شود، همچنین از کلیه کسانی که زمینه را برای این سخن، فراهم کرده‌اند تشکر می‌نماییم و برای همگان، توفیق، استقامت و همت بلند آرزو می‌کنم.

والحمد لله وحده و الصلوة والسلام على من لانبى بعده.

تمکیل ترجمه:

رجب ۱۴۲۰ هجری

فالحمد لله الذى بنعمته تم الصالحات

فيما زمند و حمت خدای منان

عبدالقادر دهقان

خفاہی چهارگانہ
(ضوان اللہ علیم)

آئینہ تمام نمای وحدت ایزیشہ عمل

این مقاله در سال ۱۹۵۹ م توسط امام سید ابوالحسن علی حسنی رهنما تحت عنوان «خلیفه راشد امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب» نگاشته شده است، در این مقاله پس از بیان ضرورت تحقیق پیرامون سیره حضرت علی رهنما چنین آمده است:

به عقیده نویسنده، این تعبیر صحیح نیست که بگوئیم، خلافت راشده و اعضای چهارگانه آن، عبارت از یک مجموعه چهار نفری بودند که سیستم فکری مختلف و اهداف جداگانه و خطمشی متفاوت و سیاست‌های مستقل داشتند که بر حسب اتفاق، زنجیره خلافت و رهبری اسلامی، آنان را به هم ارتباط داده بود، و هیچ وجه اشتراکی، جز ایمان و اخلاص و صداقت و حقانیت نداشتند، عده‌ای از نویسنده‌گان که می‌خواهند خود را به عنوان محقق و پژوهشگر تاریخ، معرفی کنند و تحقیق نوینی ارائه دهند،

خلافت راشده را به دو قسم و خلفای راشدین را به دو گروه تقسیم می‌کنند، قسم اول یا عصر نخستین خلافت راشده را به عصر ترقی و پیشرفت اسلام و عصر دوم را به دوره تنزل و رکود اسلام تعبیر می‌کنند، صدیق اکبر و فاروق اعظم را امام و پیشوای عصر اول و عثمان غنی و علی مرتضی را پیشوای عصر دوم، می‌دانند، بنظر بندۀ، این تقسیم‌بندی از جسارت خالی نیست و اینجانب معتقدم که هر یک از این چهار نفر، مظہر و آئینه تمام نما و مصدق کامل خلافت نبوی بودند، اگر فرق مراتب و تفاوت درجات، براساس فضایل و مناقب شخصی را کنار بگذاریم، خواهیم دید که طبیعت و روح خلافت، در همه آنان بطور کامل و مساوی وجود داشت.

خلافت راشده چیست؟

خلافت راشده، نه بر وسعت و پنهانی مملکت اسلامی اطلاق می‌شود و نه بر کثرت فتوحات و پیروزی‌های پی در پی در میدان کشور گشایی، آری! اگر این چیزها معیار قرار

داده شود، پس باید، ولید بن عبدالمک و هارون الرشید را بزرگترین خلیفه‌ی راشد دانست.

خلافت راشده عبارت است از نیابت کامل از طرز تفکر و خط‌مشی پیامبر ﷺ حال بدانیم که تفکر و جهان‌بینی اختصاصی و خط‌مشی ممتاز پیامبر ﷺ چیست؟

آری! خط‌مشی و بینش اختصاصی آنحضرت، عبارت است از ایمان قوی، اراده آهنین در راه اطاعت و اجرای فرمان خدا، شهود غیبی، فدانمودن مصالح و منافع شخصی، در برابر احکام الهی، ترجیح دادن آخرت بر دنیا و فقر و ساده‌زیستی بر ثروت و خوشگذرانی، ایشار و از خود گذشتگی و خیرخواهی، کوشش برای اینکه دیگران را بیشتر از اسباب راحت دنیوی بهره‌مند کنند و خود کمتر برخوردار شوند و ...

آنچه بیان شد، صفات مجملی هستند که، سراسر زندگی عملی و سیره کامل نبوی، شرح و تفصیل آنها است، فداکاری‌های بدر و خندق، سفر طاقت‌فرسای تبوک، صلح حدیبیه، فتح مکه و زندگی زاهدانه بیست و سه ساله

پیامبر اسلام ﷺ (که آغاز آن، اسارت در شعب ابی طالب و پایان آن، آخرین شب زندگی نبوی بود که در خانه اش، چراغی هم وجود نداشت و زره آنحضرت ﷺ در برابر سی صاع^(۱) جو، نزد مردی یهودی گرو بود) جلوه هایی از این صفات روحانی متعالی هستند.

حضرت ابوبکر صدیق ؓ

براساس این معیار، زندگی زاهدانه و دور خلافت خلفای راشدین رضوان الله علیهم، نمونه کاملی از خلافت راشده بود که نمایندگی کامل طرز تفکر و زندگی نبوی را بر عهده داشت.

حضرت ابوبکر صدیق ؓ، نخستین جانشین رسول الله ﷺ، در واقعه ارتداد، استقامت و پایداری بی نظیری از خود نشان داد، و در برابر تمام قبایل عرب، با

۱ - صاع، پیمانه‌ای است معادل سه کیلوگرم، (فرهنگ عمید، - مترجم).

عز می آهند و اراده‌ای محکم، به همراهی سپاه اندک اسلام، جنگید، همچنین در آن اوضاع بحرانی که پایتخت اسلام (مدینه منوره) در خطر تهاجم دشمن قرار داشت و اسلام با کمبود نیرو و مواجه بود، اصرار ورزید که آرزوی پیامبر را - بدون در نظر داشتن اوضاع و موانع - تحقق بخشد، چنانکه در همان شرایط سخت، سپاه اسامه را به سوی شام گسیل داشت و از سوی دیگر، در همان اوضاع بحرانی، قاطعانه تصمیم گرفت تا با دو ابر قدرت جهان (روم و ایران) بجنگد، همانا هر یک از این اقدام‌های شجاعانه، نمونه‌هایی از ایمان و یقین و اطاعت هستند که نظیر آنها فقط در تاریخ ابیاء و خلفای اولو العزم (صاحبان کوشش و استقامت) یافت می‌شود.

همچنین، در دوران خلافت خویش زندگی زاهدانه‌ای اختیار نمود که نمی‌توانست با حقوق دریافتی از بیت‌المال حتی برای یکبار، شیرینی تهیه کرده و دهان فرزندان خود را شیرین کند، آن هم در زمان تسلسل فتوحات و غنائم، و فراوان بودن مال و ثروت.

علاوه بر آن در لحظات پایانی عمر، زمین شخصی خود را فروخت و مبلغی را که در دوران خلافت (با تصویب مسلمین) به عنوان حقوق، دریافت نموده بود مسترد نمود و وصیت کرد تمام وسایلی که در زمان خلافت از آنها استفاده می‌کرده به بیت‌المال برگردانده شود^(۱) همانا این وقایع، مظاهری از ایثار و زهد هستند که شاید نظیر آنها در زندگی هیچ فردی، جز انبیاء و جانشینان برحق آنان یافت نشود، حقاً که این مظاهر، پرتو همان نوری هستند که

۱ - حضرت ابویکر رض پیش از خلافت، از بازرگانان و ثروتمندان عرب بود، که همه دارایی خود را برای پیشرفت اسلام و رفاه مسلمین مصرف کرد و روزی که در رکاب پیامبر بزرگ اسلام، به مدینه هجرت کرد، همه دارایی نقدی خود را به منظور خدمت به رسول الله و یاری مهاجران، به همراه داشت. عطار نیشابوری، در اسرار نامه، در این زمینه می‌گوید:

نبی را در امامت پیش رفته
توانگر آمده، درویش رفته

چو در باخت آنج بودش زر و سیمی
بساخت از مال دنیا با گلیمی
(متترجم)

حضرت ابوبکر رض به شرف جانشین اول ایشان مفتخر گردید.

حضرت عمر فاروق رض

همچنین، حضرت عمر فاروق رض در جنگهای روم و شام و معرکه قادسیه و یرموک، بجای اینکه بر تعداد لشکر و نیروی نظامی تکیه کند، بر امداد و نصرت خدا و اعمال و اخلاق سپاهیان اسلام و تعلق و رابطه مستحکم آنها با خدا، تکیه و اعتماد نمود، در جنگ یرموک (که معرکه‌ای به سختی آن کمتر در تاریخ اسلام پیش آمده) فرمانده دلاور و متھور و سردار محبوب و پیروز سپاه اسلام، حضرت خالد بن ولید^(۱)

۱ - خالد بن ولید رض فرمانده و سردار رشید و متھور سپاه اسلام بود، در هر جبهه‌ای که شرکت می‌کرد پیروز و سربلند باز می‌گشت تا جائی که مردم پیروزی اسلام را بسته به وجود او می‌دانستند، حضرت عمر رض بخطاطر اینکه این اندیشه را از اذهان مردم بیرون کند، و اعتقاد آنان را به مشیت الهی استوار گرداند خالد را در سخت ترین معرکه، که به وجود او نیاز داشت، بر

را از مقام فرماندهی سپاه اسلام بر کنار نمود و حضرت ابو عبیده را به جای او به این مقام برگزید.

همانا هر یک از این اقدام‌های ایشان و نیز محاسبه دقیق و قاطعانه بزرگترین فرماندهان و مسؤولان ارشد کشوری و همچنین محاکمه پادشاهی مقتدر چون «جبة الایهم»^(۱) به منظور دادرسی و گرفتن حق یک مستضعف، نمونه‌هایی از ایمان و اطاعت هستند که از امتیازهای طبیعت نبوی و صفات بارز خلافت راشده بشمار می‌روند.

نیز زهد و فداکاری ایشان در سال قحطی (عام الرماده) او را بر آن داشت که تا پایان دوره قحطی، هر نوع غذایی را که

کنار کرد تا مردم بدانند که پیروزی و شکست اسلام وابسته به فرد نیست.
(ترجم)

۱ - جبله قبل از اسلام یکی از شاهان اعراب بنی غسان بود، پس از مسلمان شدن روزی در اثنای طواف کعبه، یکی از حجاج پای خود را ناخودآگاه بر روی لبس بلند او که بر زمین افتاده بود گذاشت جبله به خشم آمد و یک مشت محکم، بر یینی آن مرد نواخت که خون از یینی او جاری شد، آن مرد نزد حضرت عمر شکایت کرد، آنحضرت بدون تبعیض، مطابق مساوات و عدالت اسلامی، شاه غسان را محاکمه کرد. (ترجم)

عموم مسلمین، در مملکت پهناور ایشان، به آن دسترسی نداشتند، بر خود تحریم نماید، تا جایی که مسلمین نگران شدند که اگر این قحط سالی، زیاد طول بکشد، ایشان جان خود را از دست خواهند داد.^(۱)

این طرز عمل، و سراسر زندگی زاهدانه و ساده ایشان که عنوان ضرب المثل، به خود گرفت، پرتوی بود از زندگی ساده رسول الله ﷺ و جانشین او ایشان که حضرت عمر رض نیابت آنان را بر عهده داشت.

۱ - در سال ۱۷ یا ۱۸ هجری سرزمین حجاز، دچار خشکسالی و قحطی شد، امیر المؤمنین صحن هر گونه اقدام لازم برای مقابله با بحران خشکسالی به خاطر همدردی با مسلمین، سوگند خورد تا زمانی که آثار قحطی به کلی رفع نشود، شکم سیر نخورد و از تناول هر غذایی که عموم مسلمین حتی فقرا به آن دسترسی ندارند پرهیز کند، در نتیجه، غم و اندوه بینوایان و آثار سوء تغذیه، ایشان را بسیار آزرده و نحیف گردانید، و هر کس او را می دید می گفت: «اگر این قحطی به زودی رفع نشود، عمر از غم بینوایان جان خود را از دست خواهد داد، گویا به زبان می گفت:

من از بی نوایی نیم روی زرد غم بینوایان رُخُم زرد کرد
چو بیشم که درویش مسکین نخورد بکام اندرم لقمه زهر است و درد
(مترجم)

حضرت عثمان ذو النورین علیه السلام

حضرت عثمان علیه السلام^(۱) نیز، در برابر شورشیان فتنه جو، عزم و یقین راسخ، استقامت و پایداری فوق العاده‌ای از خود نشان داد و در نهایت، مظلومانه به شهادت رسید، همچنین، در آن برده از زمان که اسباب ثروت و راحت، فراوان و میسر بود، زهد و ایشار را (که میراث دو پیشو او بود) پیشه کرد، و با وجود فراهم بودن قدرت و ثروت، در زندگی شخصی

۱ - حضرت عثمان علیه السلام وقتی در محاصره آشوبگران قرار داشت، حضرت علی از نو خواست تا اجازه دهد با شورشیان مقابله شود، در جواب، خطاب به حضرت علی و مهاجران و انصار و کسانی که نزد او بودند و تعدادشان بیش از هفتصد نفر بود، گفت: همه شما را سوگند می‌دهم که به خانه‌های خود برگردید و بخاطر من قطره‌ای خون بر زمین نریزید. به گفته خواجه‌ی کرمانی:

بعد از عمر، مقام خلافت بد و جلال
او خون حلال کرده و خون خواستن حرام
(متترجم)

خویش، از خوشگذرانی و تجمل پرستی، دوری نمود، بطوری که برای میهمانان و عموم مسلمین، بهترین غذاها را تهیه می‌نمود و خود، در خانه از نان خشک و غذای ساده استفاده می‌کرد، همانا این طرز عمل، همان خلعت زیبای خلافت راستین بود که رسول الله ﷺ به تن او پوشانده بود و از بیرون آوردن آن انکار می‌نمود.^(۱)

حضرت علی مرتضی عليه السلام

همین خصوصیات اخلاقی و همین خطمشی و روش زندگی خلافت نبوی، در زندگی آخرین حلقه این زنجیره طلایی، یعنی حضرت علی مرتضی عليه السلام، پسر عمومی

۱ - می‌دانیم که حضرت عثمان عليه السلام پیش از تصدی مقام خلافت، از بزرگترین بازرگانان و سرمایه‌داران عرب بود که دارایی خود را در راه رفاه مسلمین و تجهیز سپاه اسلام مصرف کرد و روزی که به شهادت رسید دارایی او نسبت به قبل از خلافت بسیار کمتر بود.

(ترجم)

پیامبر ﷺ به وضوح نمایان است، تمام خصائص خلافت نبوت که در سه خلیفه قبل، مشترک بود در وجود مبارک ایشان نیز مشاهده می‌گردید او نیز قانون و اصول را در برابر سیاست و مصلحت شخصی مقدم داشته، برای بقا و استحکام خلافت، از شیوه‌ها و تدابیری که صاحبان حکومت، اختیار می‌کنند و مناسب شأن امانتدار خلافت نبوت، نیست اجتناب نمود، و بی‌باقانه آن دسته از عمل حکومت را که در نظر وی بر معیار بلندی از زهد و پارسایی که رسول الله ﷺ و خلفایش بر جای گذاشته و با روح خلافت نبوی تناسب داشت منطبق نمی‌آمدند و معزول نمود، بخاطر حفظ اصول و عقیده و باقی گذاشتن خلافت بر «منهاج نبوت» و ظایف خطیر و ناگواری را متحمل شد گرچه این وظایف به دوش او سنگینی می‌کرد، اما به مقتضای عقیده و یقین مومن و نیاز زمان، آنها را با جان و دل خرید تمام مدت خلافت را در مجاهدات، درگیریها و سفرهای مستمر گذرانید، اما هیچگونه یأس و ناامیدی به دل راه نداد و اظهار خستگی ننمود، از دوستان شکوه و گلایه و از دشمنان

بدگوئی نکرد، آرزوی راحت طلبی و انتظار ستایش و تجلیل از کسی نداشت، غم و اندوه از گذشته و نگرانی از آینده او را نمی‌آزرد، از فدایکاری و از دست دادن جان نمی‌هراسید، وظیفه شناس و سخت کوش بود، صبری چون دریا و استقامتی همچون کوه و وظیفه‌شناسی چون هوا و ابرها داشت، گوئی همانگونه که شمشیر ذوالفقار در دست او مطیع و بی‌زبان بود او نیز در دست قدرت ذاتی دیگر، مطیع و از گلایه و شکوه بری بود.

ایمان و اطاعت، درجه‌ای دارد که برای «صدیقان» حاصل می‌شود، لیکن شناخت آن مقام و آشنائی با مشکلاتش، کار صاحبان ذوق و صاحب‌نظران است، از اینجاست که شناخت زندگی و شخصیت بزرگ حضرت علی امتحانی است بزرگ و امتیازی است ویژه برای اهل سنت، در محیط و شرایط ناگواری که این مظاهر ایمان به غیب و جذبه اطاعت به ظهور پیوست با محیط و شرایط خلفای پیشین متفاوت بود، به همین دلیل بسیاری از مورخان و اهل قلم و مدعیان تفکر و تحقیق، از درک واقعیت و شناخت دقیق شخصیت حضرت

علی ﷺ عاجز مانده‌اند، آنچه را آنان فتنه داخلی و جنگ خودی می‌نامند، ما حضرت علی ﷺ را در این رابطه نه تنها معدور، بلکه مأجور نیز می‌دانیم. و چون طرف مقابل (اهل شام) مرتکب خطای اجتهادی بودند، گمراه و فاسق دانستن آنان جایز نیست اما معتقدیم که آنچه حضرت علی ﷺ در زمان خلافت خویش انجام داد براساس انگیزه ادائی وظیفه و روح ایمان و اطاعت انجام داد، به همین دلیل، این اعمال برای وی موجب رفع درجات و نزدیکی با خدا می‌باشند.

زندگی زاهدانه حضرت علی ﷺ پر توکامل خلافت نبوت و نور خلافت صدیقی و فاروقی بود، در آن زمان، زاهدان و پارسایان بزرگ نمی‌توانستند در این زندگی ساده و فقیرانه با وی برابری کنند. سرانجام کارگزاران حکومتی منتخب از سوی خودش و خویشان نزدیک، حتی برادر حقیقی‌اش عقیل بن ابی طالب نیز نتوانست با او همگام باشد.

در حقیقت روحیه ایمان به غیب و یقین به آخرت که رسول الله ﷺ در صحابه کرام ﷺ پدید آورده بود، فکر و

اندیشه، سیرت و اخلاق؛ زندگی و کردار و سیاست آنها را در قالبی نوین قالب‌بندی نموده بود که در تنگی و راحت، پیروزی و شکست، فقیری و حکومت بطور یکسان نمایان بود، آشکارترین و نیرومندترین معجزه این ایمان، خلفای راشدین هستند، آنان به این معنا، خلفای راشد هستند که بینش و میراث پیامبر به آنان منتقل شد و آنها در این بینش و روش از او پیروی نموده نیابت کامل وی را انجام داده‌اند، افراد نادان و کوتاه اندیش فکر می‌کنند که مسأله جانشینی پیامبر ﷺ نیز مانند جانشینی یک پادشاه یا فرمانروای یک منطقه بوده است و قضیه در مورد برخورداری شخص خلیفه و بستگان او از امکانات و مزایای دولت و احراز پست‌های مهم برای خویشان خود بوده است، حال آنکه قضیه در مورد انجام وظایف نبی و داشتن زندگی ساده و فقیرانه و سرشار از ایثار و فداکاری بود، مسأله خدمت و راحت رسانی به خلق و کمتر برخوردار شدن از اسباب دنیا و خود را در معرض خطر و مشقت قرار دادن بود، و شکی نیست که هر یک از خلفای راشدین، به نوبه خود، این حق را

ادانموده و در عمل به جهانیان نشان داده‌اند.

نبوت و خلافت

نبوت، خلافت الهی است و خلافت راشده، خلافت نبوی است، یکی از بزرگترین اخلاق و صفات الهی صفت بی‌نیازی (صمد) است و شأن آفریدگار یکتا این است که «یطعُّمُ و لا يُطعُّم» (یعنی همه را روزی می‌دهد و خود از کسی روزی نمی‌گیرد) این صفت، ویژه خداست که انسان به آن مقام رسائی ندارد، اما درجهٔ نهائی اش که در مورد انسانها صدق می‌کند این است که بکوشند تا دیگران را بیشتر بهره‌مند کنند و خود کمتر بهر «مند شوند. تا جاییکه مربوط به صفت «یطعُّم» (بخشیدن به دیگران) است دست بالا و همت بلندی داشته باشند و نسبت به «یطعُّم» (گرفتن از دیگران) خودداری و استفنا پیشه کنند.

عدیل همت ساقیست فطرت عرفی

که حاتم دگران و گدای خویشتن است

به نظر من دوره کوتاه خلافت راشدہ (که از سی سال متجاوز نبود) برای تمام ادوار و مراحل آینده زندگی اسلامی، سرمشق و الگو می‌باشد و برای هر یک از دوره‌های ناگزیری که در پیش داریم رهنمائی وجود دارد، حیات طیبه و خلافت راشدہ حضرت ابوبکر صدیق صلی اللہ علیہ وسالم رهنمودی است برای اینکه در آغاز کار و اوضاع بحرانی و در حین پیمودن مراحل ترقی و پیشرفت، به چه نیرویی از استقامت و ایمان و یقین نیاز داریم، و دوره خلافت فاروقی الگوئی است برای اینکه در زمان صلح و امنیت و اوج ترقی، چگونه از ایمان و استقامت کارگرفت، و زندگی حضرت عثمان و علی رضی الله عنهم، آئینه تمام نمائی است که به ما می‌آموزد، هنگام آشوب و فتنه و هرج و مرج و بی‌نظمی، چه نیرویی از ایمان و یقین، استقامت و پایمردی، شجاعت و دلیری لازم است.

اگر در تاریخ اسلام فقط دو باب، از خلافت راشدہ وجود داشت (که در واقع دو فصل از یک باب هستند) و فقط خلافت صدیقی و فاروقی نمونه می‌بود، در آن صورت این

رهنمایی ناقص و ناتمام بود و مسلمین برای دوران فتنه و هرج و مرج، امام و پیشوایی نداشتند که از او پیروی کنند، برای امتی که مقدّر بود تا قیامت باقی بماند و از تمام ادوار انسانی و فراز و نشیب‌های تاریخ بگذرد. لازم بود که نمونه‌ای از هر دو شیوه پیش روی داشته باشد، لذا خلافت را شده با تمام اعضای خود، این نمونه‌ها را فراهم و این راهنمایی را تکمیل نمود، خداوند از ابوبکر، عمر، عثمان و علی راضی باد و آنان را از خود خشنود نموده عزت بخشد و از سوی اسلام و امت اسلامی، پاداش نیکو عنایت فرماید.

آمين

پایان ترجمه ۱۴۱۵/۸/۱۷ ه

